زودآیند ویرایش‌نشده

Analysis of Factors Affecting the Economic-Oriented Performance of Rural Executive Management: A Case Study of Rural Areas in Marivan County

Soran Manoochehri[1], Farzad Vaisi[2]

Introduction

The core issue addressed in this study is why, despite the vast developmental potential of rural areas in Marivan County as one of the key focal poles in the overarching spatial development of Kurdistan Province, the county still faces unfavorable rural development conditions. This problem is examined with an emphasis on the performance of village administrators (Dehyars) as local rural managers and the foremost leaders of the local community. They are expected to lay the groundwork for building a development-oriented rural community, where their effective performance is a fundamental requirement for transforming and regenerating the rural economy. Existing socio-economic deprivations in rural areas have redoubled villagers' reliance on Dehyars as the primary interface with the public sector. However, reflecting the prevailing administrative culture in the country, the regional focus has largely remained confined to the physical-spatial functions of Dehyars, thereby marginalizing their transformative role in the rural economy through reductionist approaches and constrained expectations. Revitalizing and organizing the rural economic landscape of Marivan County critically depends on the performance of Dehyars as local leaders to provide the necessary conditions for building a development-driven community fueled by the drive for progress, innovation, and competitiveness, and grounded in collective participation free from cultural and social constraints.

Materials and Methods

The present study employs a descriptive-analytical approach with a mixed-methods (qualitative-quantitative) design. The theoretical framework was developed through a review of documentary sources, while the empirical phase involved data collection via surveys (questionnaires and interviews). To identify the key factors influencing the

[1] Ph.D. in Geography and Rural Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
[2] Corresponding Author and Associate Professor, Department of Geomorphology, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran. (uok.ac.ir).

economy-oriented performance of village administrators (Dehyars), a Delphi panel was purposefully formed, comprising village administrators, development officials, academic experts, and rural informants.

Results and Discussion

64 factors or inhibitors in the form of four main factors of weakness in planning, policy making, implementation, supervision and monitoring of the development process in the field of development management and inappropriate business environment in the villages of Marivan County in line with economic transformation; The low level of the capacities of the local community and the dominance of the peasant subculture; The low level of capacity development of villagers and the lack of sustainable financial resources in the field of support, support and economic transformation are the key factors affecting the inappropriate economic performance of villagers in the rural areas of Marivan County.

Conclusions

A review of the literature indicates that the present study aligns closely with existing scholarship by confirming fundamental managerial challenges. However, unlike most previous studies that focused on the general dimensions of rural management, this research reveals new dimensions by entering the realm of environmental-political risks. For instance, while prior research predominantly centered on internal dynamics between village administrations (Dehyaris) and local communities, the findings of this study introduce borderland realities as key deterrents by incorporating indicators such as securitized border management and the impact of macroeconomic volatility on the local business environment.

The weakness and incapacity in the economy-oriented performance of the rural villagers in the study area is due to the existence of weaknesses and inadequacies from the larger functional environments and the actors beyond the reach that have not been able to; provide the necessary fields and capacities in line with the rural-oriented economic performance. It should be understood that the rural-oriented economic performance is without the benefit of a larger development space and the benefit of management and development policy, the optimization of the business environment and It will not be possible to work and form a development-oriented society. Based on this, there is a need in the area of policy making and management of the development flow of the region, to review and modify the method and process of development policy from the stage of problem analysis and formulation of policies, and the method of implementation and monitoring has been changed and in accordance with the new approach and principles. Policymaking based on participatory and network policymaking and considering local complexities in the current situation and with a strategic view towards the future should be done. Adopting a doctrine and philosophical foundation of rural development and policy making and performance based on it is an urgent need of the development management of the region. Externals are also emphasized; It is suitable for the development environment of the rural areas of Marivan County, which has a suitable external opportunity in the form of border trade and the high-demand market of the Kurdistan region of Iraq with many social similarities.

Keywords: Rural Economy; Villagers and Local Rural Managers, Rural Areas of Marivan County.

تحلیل عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصاد محور مدیریت اجرایی روستایی(مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان مریوان)

سوران منوچهری[1]، *فرزاد ویسی*[2]

چکیده

دهیاران به عنوان مدیران محلی، می‌توانند نقش غیرقابل انکاری در حل یکی از اصلی‌ترین معضلات توسعه روستایی کشور در ارتباط با تحول و توسعه اقتصادی روستاها داشته باشند. در همین راستا و به منظور سنجش وضعیت عملکرد اقتصاد محور دهیاران روستایی منطقه محروم و مرزی شهرستان مریوان، پژوهش حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی و با ماهیتی کمی و رویکردی اکتشافی مبتنی بر گردآوری داده‌ها در بخش نظری با بهره‌گیری از منابع اسنادی و در بخش کمی، از طریق توزیع پرسشنامه و مصاحبه(پیمایش)، انجام پذیرفته است. به منظور شناسایی کلیدی‌ترین عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصاد محور دهیاران، تیم دلفی پژوهش به روش هدفمند از میان دهیاران، مسئولین توسعه‌ای، متخصصان علمی و آگاهان روستایی تشکیل گردید. نتایج حاصل از تحلیل عاملی داده‌های پیمایشی، نشان داد که ۶۴ متغیر یا شاخص بازدارنده در قالب چهار عامل اصلی ضعف مدیریت راهبردی توسعه و فضای نامناسب کسب و کار، سطح نازل ظرفیت‌های مرم محلی و تسلط خرده فرهنگ دهقانی، توسعه ظرفیتی اندک دهیاران و عدم تامین پایدار منابع مالی در زمینه حمایت، پشتیبانی و تحول اقتصادی به عنوان کلیدی‌ترین عوامل، بر عملکرد نامناسب اقتصاد محور دهیاران در نواحی روستایی شهرستان مریوان اثرگذار هستند.

کلید واژه‌ها: *اقتصاد روستایی، دهیاران و مدیران اجرایی روستایی، نواحی روستایی شهرستان مریوان.*

مقدمه

مدیریت، مهمترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا شکست یک سازمان (جامعه)، عامل همگرایی نیروها، یکپارچه‌کننده تلاش‌ها و کنترل‌کننده روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب توسعه‌ای است (Tovmasyan, 2017; Obiefuna, 2015). توسعه روستایی، شامل برنامه‌ها و ابتکاراتی است که برای ارتقای استاندارد زندگی روستاییان در نظر گرفته شده و این ابتکارات، بایستی توسط مدیران محلی در هماهنگی با سایر

۱- دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- نویسنده مسئول و دانشیار گروه ژئومورفولوژی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران. (farzad.veisi @uok.ac.ir)

بازیگران (بخش دولتی، خصوصی، مردم نهادی، مردم محلی) اجرایی گردد (Zadawa, 2020). در همین ارتباط، باربیر (Barbier, 2020) لیو و وانگ (Liu & wang, 2019) و کوپر و همکاران (Küpper et al., 2017)، کیفیت مدیریت اجرایی را مهمترین مانع یا محرک تحول کیفی، بازآفرینی روستایی[1] و شکست و موفقیت پروژه‌های توسعه روستایی می‌دانند. در رویکرد نوین توسعه یکپارچه روستایی نیز در کنار تقویت منابع مالی و زیرساخت‌ها، مدیریت روستاها یک عنصر اساسی در راستای اتصال به بازار و تحول اقتصادی است. توسعه روستایی، بایستی خود را به بازار و جوامع دیگر، متصل و مرتبط نماید و در این جهت‌گیری جدید، مدیریت روستایی به عنوان بخشی ذاتی و غیرقابل‌انکار در راستای تحریک عناصر فعال توسعه روستایی و تقویت ارتباطات آنها تلقی می‌شود (Kumar & Ankalkoti, 2025). پارادایم جدید توسعه روستایی (NRP)[2] با تغییر محور سیاستگذاری‌های توسعه روستایی و تاکید بر محلی‌گرایی و مکان‌محوری، در بخش اقتصادی، فاصله‌گیری از اقتصادی سنتی تک محصولی مبتنی بر کشاورزی و روی‌آوری به تنوع اقتصادی و رقابت‌پذیری مبتنی بر مشارکت گرایی مردم محلی را تشویق می‌کند که در این زمینه تاکید اصلی بر مدیریت سطح محلی در راستای بسیج منابع عمومی و ایجاد هم‌افزایی میان بخش خصوصی، دولتی و مردم محلی است (Wazza et al., 2025).

در همین ارتباط، محققان و برنامه‌ریزان توسعه‌ای، همواره تلاش کرده‌اند که جدای از مولفه‌های عمومی اثرگذار، عوامل محلی اثرگذاری در توسعه اقتصادی را شناسایی و مورد مداخله قرار دهند که در این ارتباط نیز، تاکید بر عملکرد مدیریت سطح محلی است (Takhumova, 2020). قدر مسلم به فعلیت رسیدن و ارزش‌افزایی پتانسیل‌های درونی توسعه روستایی در گروه مدیریت مؤثر روستایی مبتنی بر همگرایی و بکارگیری مردم محلی در جریان توسعه است (Tomashuk, 2017). مدیران محلی، می‌بایست کنترل‌کننده، تسهیل‌کننده و توانمند باشند تا بتوانند محیط مناسب توسعه اقتصادی نواحی روستایی را شکل دهند (Ramos, 2017). مطلوبیت مدیریت رهبران و مدیران محلی را می‌توان به عنوان حلقه گمشده در درک ما از چگونگی فعال کردن توسعه مبتنی بر مکان و اقتصادهای محلی در عصر جهانی دانست (Horlings & Roep, 2018). بر این مبنا، دهیاران به عنوان مدیران محلی، یکی از کلیدی‌ترین نقش‌ها را در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی دارا هستند. خودمختاری و خوداتکایی اقتصادی روستا به شدت، تحت تأثیر عملکرد مؤثر مدیریت محلی روستایی به عنوان بالاترین مقام اداری آن است (Muhardi, 2022؛ Kabiri & Valaei,2019). دهیاران به عنوان رهبرانی محلی، پیشگامان و مبتکران جوامع روستایی هستند و روستاها با اقتصاد پیشرفته دارای رهبرانی محلی با حکمروایی مناسب هستند (Beer, 2014).

در سطح کشور نیز، انتخاب دهیار به عنوان مدیریت نوین روستایی را می‌توان به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مدیریت روستایی به شمار آورد (Eimani & Khodabakhshi, 2018). با توجه به اینکه از اساسی‌ترین مشکلات نقاط روستایی، ضعف فضای اقتصادی آن است و از طرف دیگر، در وظایف نهادهای محلی و مدیریت

[1] Regeneration outreach
[2] New Rural Paradigm

این سکونتگاه‌ها، همچون دهیاری‌ها، تلاش برای پویاسازی اقتصاد روستا تعریف گردیده (Molaei Hashjin et al., 2018)، یکی از زمینه‌های نقش‌آفرینی که به ویژه در چند ساله اخیر برای دهیاران در نظرگرفته شده و بر آن، تاکید می‌گردد بسترسازی برای بهبود فضای کسب‌وکار و در نهایت، پیشرفت در اقتصاد نواحی روستایی است (Khoshbakht et al.,2015).

منطقه مورد مطالعه پژوهش، نواحی روستایی شهرستان مرزی مریوان در غرب استان کردستان می باشد. این شهرستان دارای ۱۳۱ دهیاری فعال است. شهرستان مریوان، مطابق با سند آمایش سرزمین استان کردستان، یکی از خوشه‌ها و هسته‌های اصلی توسعه استان کردستان، محسوب می‌شود که توسعه گردشگری، کشاورزی و فعالیت‌های بازرگانی – تجاری با گستره عملکرد منطقه‌ای و فرامنطقه(اقلیم کردستان عراق)، ماموریت‌های مهم و نقش‌های کارکردی این شهرستان در راستای توسعه شهرستان و استان کردستان می‌باشند. نقش‌ها و ماموریت‌هایی که به واسطه تمرکز توان‌های مرتبط با آنها در نواحی روستایی، متمرکز بر نواحی روستایی بوده و نقش آفرینی مطلوب روستاهای شهرستان، نقش غیرقابل انکاری در حرکت شهرستان در این مسیر، خواهند داشت. همچنین نواحی روستایی شهرستان مریوان به واسطه موقعیت مرزی و ارتباطات گسترده اقتصادی و اجتماعی (رسمی و غیررسمی) با اقلیم کردستان عراق و نیز، مراودات تجاری– بازرگانی با نواحی مختلف کشور، توسعه گردشگری و ورود گردشگران و تبدیل شدن به منطقه آزاد تجاری با تغییرات، فرصت‌ها و تحولات بسیاری روبرو خواهد شد که نیاز به جهت‌گیری و آماده‌سازی مناسب دارد که قدر مسلم، دهیاران روستایی در مرکز این بسترسازی و آمادگی قرار خواهند داشت. درگیری مستقیم و غیرمستقیم تمامی بخش‌های روستایی منطقه با پدیده کولبری و قاچاق کالا، فقدان تعاونی فعال روستایی و تنها، ۱۸ تعاونی در حوزه آب و کشاورزی روستاها به صورت اسمی و غیرفعال، برداشت بی‌رویه و تخریب محیطی، دارا بودن بیشترین سطح افت منابع آب زیرزمینی در استان بواسطه برداشت نامناسب و کشاورزی سنتی و تک محصولی، قرار داشتن ۲۳/۶ بیکاران استان در این شهرستان، تسلط بیکاری پنهان و قرار داشتن بیشترین درصد بیکاری در میان مردان و زنان ۲۹–۲۰ سال در روستاها، توزیع نامتعادل نرخ بیکاری در سطح بخش‌های روستایی با ۴۵/۲ درصد بخش سرشیو، ۹/۹ بخش خاوومیرآباد و ۱۲/۱بخش مرکزی و هدایت سرمایه‌های خرد روستایی به خرید ملک و واسطه‌گری در شهر مریوان، نمودهایی از فضای نامناسب اقتصادی در سطح روستاهای شهرستان مریوان می‌باشد (Strategic Land Use Planning Document of Kurdistan Province, 2021؛ Rural Employment Generation and Economic Development Plan of Marivan County, 2022؛ Report on the Unemployment Profile of Kurdistan Province, 2024).

حال مسئله اصلی که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود، این مطلب می‌باشد که چرا با وجود پتانسیل‌های متعدد توسعه‌ای در نواحی روستایی شهرستان مریوان به عنوان یکی از قطب‌های مورد تاکید در توسعه فضای کلی استان کردستان این شهرستان با شرایط نامناسب توسعه روستایی مواجه است. این مسئله با تاکید بر عملکرد دهیاران روستایی به عنوان مدیران محلی روستایی و مهمترین، مدیران عرصه جامعه محلی است که می‌بایست زمینه‌های ساخت اجتماع توسعه محور روستایی را فرآهم کرده و در راستای تحول و

بازآفرینی اقتصاد روستایی نیز، نیاز اصلی به عملکرد اثربخش آنها خواهد بود چرا که محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی موجود در سطح روستاها، وابستگی روستاییان به دهیاران به عنوان حلقه اول اتصال به بخش دولتی را دوچندان نموده است. این در حالی است که در سطح منطقه به مانند شرایط عمومی فضای مدیریتی کشور، تاکید بر عملکرد کالبدی دهیاران بوده و با تقلیل‌گرایی و محدود نمودن وظایف و انتظارات از دهیاری‌ها از اثرگذاری دهیاری‌ها در تحول فضای اقتصادی روستاها غفلت شده‌است. تحقق توسعه اقتصادی و ایجاد بسترهای کارآمد تحول‌آفرین، مهم‌ترین ضرورت راهبردی برای این منطقه مرزی و کم‌برخوردار محسوب می‌شود. در این میان، دهیاران به عنوان مدیران و کارگزاران محلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در فرآیند بازآفرینی و ساماندهی فضایی ایفا خواهند کرد. موفقیت در این مسیر نیز، مستلزم آن است که دهیاران به عنوان یکی از بازیگران اصلی صحنه توسعه روستایی با گذار از رویکردهای سنتی، زمینه‌های لازم برای استقرار جوامع توسعه‌محور را فرآهم آورند، جوامعی که در آن میل به پیشرفت، خلاقیت‌محوری و رقابت‌پذیری مبتنی بر مشارکت جمعی، به عنوان ارکان اصلی شناخته می‌شود. بر این مبنا سوال اصلی پژوهش مبتنی بر این مطلب می باشد که مهمترین، عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصاد محور دهیاران در نواحی ر وستایی شهرستان مریوان کدامند؟

مبانی نظری

مدیریت، عبارت است از گردآوری افراد برای دستیابی به اهداف و مقاصد مورد نظر با استفاده از منابع موجود به طور کارآمد و مؤثر. از آنجایی که سازمان‌ها را می‌توان به‌عنوان سیستم در نظر گرفت، مدیریت را می‌توان به عنوان کنش انسانی، از جمله طراحی، برای تسهیل تولید نتایج مفید از یک سیستم تعریف کرد. چهار عملکرد اساسی مبتنی بر برنامه ریزی، سازماندهی، تأثیرگذاری، کنترل، فرآیند مدیریت را تشکیل می‌دهند. متناسب بودن سبک مدیریت با شرایط میدانی و تبدیل شدن مدیر به رهبری کارآمد، نیاز اثربخشی مدیران امروزی و نیاز کلیدی برای اجرای حکمرانی خوب روستایی است و این امر، نیاز به نفوذ و پذیرش مدیران محلی توسط جامعه محلی دارد (Movahed et al., 2023 ؛Khaliq & Talha, 2024).

با توجه به چندبعدی بودن مفهوم توسعه، این باور وجود دارد که بهترین و ارزشمندترین رویکرد درخصوص مدیریت توسعهٔ روستایی رویکرد سیستمی، نظریه مشارکتی[1] و اقتضایی (موقعیتی)[2] است که زیرمجموعه سبک مدیریت دموکراتیک[3]هستند. سبک مدیریتی که مبتنی بر ایجاد فرصت‌های برابر برای تمامی اعضا، اعتماد و همدلی میان اعضا و مدیریت، نفوذ مؤثر مدیری بر روی کارکنان مبتنی بر تعهد و آگاهی، مشارکت‌گرایی، عملکرد گروهی، بهره‌وری و تفویض اختیارات، چشم‌اندازسازی و آینده‌نگری است (Vasilescu, Ahmed Khan, 2016؛2019). رویکرد اقتضایی به مدیریت را می‌توان نقطهٔ اوج مدیریت دانست که برای وضعیت‌ها و شرایط مختلف کاربرد دارد و در این راستا است که مدیریت مبتنی بر جامعهٔ محلی با الهام از این نگاه مدیریتی، شکل گرفته است (Heidari Sarban, 2019).

[1] Participative theory
[2] Contingency Theories (Situational)
[3] Democratic leadership style

توسعه اقتصادی روستاها در محیط پیچیده و متغیر امروزی، نیاز به مهندسی مجدد نهادی در راستای افزایش سرمایه و بازآفرینی اجتماعی توسط بازیگران متعهد به یک سیاست یکپارچه‌تر و پایدارتر روستایی است و این امر از طریق مدیریت محلی کارآمد، میسر خواهد شد (Baldock, 2010). رویکرد نهادی، بر اصلاح و بهبود رویه‌ها و ترتیبات نهادی محلّی تاکید دارد. مطابق با رویکرد نهادی، توسعه روستایی به عنوان جامعه‌ای در انزوا نیاز به نهادهای محلی کارآمدی دارد که بتواند ظرفیت‌های محلی را برانگیخته و در راستای به فعلیت رسیدن، بسیج نماید. این نهاد محلی که می‌تواند به توسعه ظرفیتی و تحول‌بخشی به فضای اجتماعی روستایی منجر گردد مبتنی بر مدیریت محلی است که همگرا و هم‌افزای با جامعه محلی، می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌گیری از توانمندی‌های درونی و ارتقای سطح سرمایه‌های اجتماعی گردد. در همین راستا نیز، توانایی یک مدیر خوب روستایی در درک فرهنگ محلی، خودداری از اجرای اجباری ایده‌های خود، الگو بودن و احترام به اقشار مختلف، نشان‌دهنده کیفیت رهبری در یک منطقه روستایی است. مهارت‌های مدیریتی روستاها ناشی از چندین استعداد مبتنی بر (۱) توانایی الهام بخشی به جامعه. (۲) مهارت پذیرش بازیگران مختلف (۳) تشویق مشارکت جامعه در توسعه روستا با ایجاد اشتیاق برای ابتکارات اجتماعی و (۴) مدیریت منابع مالی روستا است (Muhardi, 2023؛Marošević et al., 2014). مدیریت روستایی زمانی جایگاه خود را در نواحی روستایی به دست می‌آورد که با فرهنگ روستایی، منابع، تولید، بهبود زندگی روستایی، کاهش فقر و اکولوژی روستایی در تعامل کارکردی باشد (Zhang et al., 2023).

تمرکززدایی از مدیریت دولتی، مکان محوری را گسترش داده و این بر این ادعا استوار است که ظرفیت یک منطقه برای نوآوری به کیفیت نهادی و مدیریت محلی آن وابسته است. هماهنگی‌سازی بخش‌ها و نهادهای متعدد رسمی و غیررسمی درگیر در توسعه روستایی توسط مدیریت محلی کارآمد انجام می‌گیرد (Beer, 2014؛ Horlings & Roep, 2018). مدیریت روستایی، نیروی محرکه‌ای برای ارتقای تعامل عناصر توسعه برای رویارویی با بازار آزاد و تقویت بیشتر جریان‌ها است. روستاییان سازمان یافته، بهترین گزینه برای توسعه روستایی هستند و تنها زمانی که روستاییان به صورت واقعی در مدیریت محلی مشارکت کنند، مدیریت روستایی دارای اثربخشی خواهد بود (Afsharipour et al., 2021).

جهانی شدن و بومی‌سازی[1] به عنوان دو پیشران کلان و تغییر دهنده فضای اقتصادی روستایی در کنار نیاز به حرکت به سمت حکمروایی مطلوب اقتصادی، اهمیت مدیریت محلی کارآمد، خلاقیت محور و انعطاف‌پذیر در این عرصه را افزایش داده‌است. ضرورت‌های نوین مرتبط با اقتصاد در حال گذار روستاهای کشورهای در حال توسعه در راستای کاهش‌آسیب‌پذیری آن، ضرورت اجرای واکنش‌های مؤثر در راستای توانمندسازی مردم محلی و عدالت توزیعی را برای مدیران محلی به همراه داشته‌است (Ramos, 2017 ؛ Mikeladze, 2025). مطلوبیت مدیریت محلی را می‌توان به عنوان حلقه گمشده در درک ما از چگونگی فعال کردن توسعه مبتنی بر مکان و اقتصادهای محلی در عصر جهانی دانست (Horlings & Roep, 2018). در این فضا، عملکرد مکان محور، ارتباطات شبکه‌ای افراد و همپیوندی‌های اجتماعی، تعاملات اقتصادی و کسب و

[1] globalization, and localization

کارها را گسترش می‌دهد. بر این اساس، توانایی ایجاد و گسترش ارتباطات رسمی و غیررسمی، اعتماد، پشتکار و سخت‌کوشی، انعطاف‌پذیری، وظیفه محوری،تعامل با ذی‌نفعان و شایستگی افراد برای اتخاذ تصمیمات جسورانه، عملی و منطقی از مهمترین، وظایف و مشخصه‌های مدیران محلی کارآمد در راستای حرکت به سمت رهبری و حکمرانی مؤثر اقتصادی است (Beer, 2014؛ Mohammadpour et al., 2017 ؛ Ramos, 2017 ؛ Horlings & Roep, 2018).

شفیعی ثابت و همکاران (Shafiei Sabet et al., 2019) به توانمندسازی جامعه روستایی از طریق مدیریت محلی روستایی، معتقدند و گسترش تولید محوری، خلاقیت و مشارکت فعال ذی‌نفعان محلی، نشانه‌های حرکت به سمت مدیریت روستایی اجتماع محور می‌دانند. مدیریت محلی باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت در امور را آموزش دهد. یک مدیریت محلی کارآ، فکرکردن در محیط را می‌پروراند و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی می‌شود. مدیریت جدید روستایی افزون بر ایجاد توسعه، محلی عمل‌کردن را می‌آموزد و تمامی این موارد با توانمندی‌های جمعی میسر می‌گردد (Miralijani& Khorasani, 2021). در محیط روستا، هدف مدیریت اقتصادی، تأمین سرمایه، جلوگیری از خروج سرمایه، ایجاد زمینهٔ اشتغال، کارآفرینی، تأمین بازار برای فروش کالاها و خدمات تولیدی و کنترل میزان مصرف و مدیریت عرضه و تقاضا است (Khosravipour & Bandari, 2023).

فرصت‌های اصلی برای توسعه حکمرانی روستایی در رویکرد پایین به بالای مدیریتی است که توسط رهبران محلی هدایت می‌شوند و نوآوری اجتماعی و مسئولیت اجتماعی را از طریق ایجاد مشارکت‌های چند بخشی و شکل دهی به اکوسیستم‌های نوآور اقتصادی، تشویق می‌کنند (Moodie, 2023). مدیریت محلی زمانی در بهبود عملکرد اقتصادی موفق عمل می‌کند که از حالت انحصاری خارج شده و به عنوان یک نهاد واسط، همکاری میان بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه محلی را نهادینه کند (Scott, 2004). در شکل زیر، مهمترین معضلات پیش‌روی مدیران و راهبران محلی در راستای توسعه و تحول بخشی اقتصادی روستایی، آورده‌شده‌است. در این شکل، ناکامی در توسعه اقتصادی روستاها نتیجه تلاقی سه گروه مسئله است — ضعف رهبری کارآفرینانه در مدیران محلی، ناتوانی نهادی و حکمرانی اقتصادی و محدودیت‌های مبتنی بر منابع و بازار (فرآوری، زنجیره‌سازی، بازاررسانی). این سه عامل به‌صورت متقابل یکدیگر را تشدید می‌کنند و چرخه رکود را تثبیت می‌نمایند (Tomashuk, 2017؛ García-Vidal et al., 2025؛Salimova, 2025).



شکل ۱: معضلات مدیریت توسعه اقتصادی روستاها

مأخذ: Tomashuk 2017

با توجه به اینکه از اساسی‌ترین مشکلات نقاط روستایی، ضعف فضای اقتصادی است و از طرف دیگر، در وظایف نهادهای محلی و مدیریت این سکونتگاه‌ها همچون دهیاری‌ها، تلاش برای پویاسازی اقتصاد روستا تعریف شده، ضروری است که دهیاری‌ها بر مسائل اقتصادی تسلط و توجه بیشتری داشته باشند (Molaei Hashjin et al., 2018). با ایجاد نهاد دهیاری در سال ۱۳۷۷ به عنوان بازوی اجرایی شوراهای اسلامی در روستاها و نماد تفاوت مدیریت در مدیریت سنتی و نوین روستایی، دهیاران و دهیاری‌ها، موظف به فعالیت در پنج حوزه" ستادی و اداری"،" اقتصادی و مالی"،" خدماتی، اجتماعی و سیاسی"،" بهداشتی و زیست محیطی و "کالبدی" هستند. تقی‌زاده و همکاران (Taghizadeh et al., 2023) عدم عملکرد صحیح و اثربخش دهیاری‌ها در بعد توسعه اقتصادی و محدود شدن فعالیت‌های آنها به بخش توسعه کالبدی و زیرساختی را از مهمترین عوامل عدم توسعه‌یافتگی اقتصادی روستاها بیان می‌کند. اعتقاد به توسعهٔ همه جانبه و پایدار روستایی، هنگامی محقق می‌شود که روستاییان، از عملکرد دهیاران به عنوان بازوی اجرایی مدیریت روستایی رضایت مطلوب داشته باشند،

زیرا رضایتمندی مطلوب روستاییان از عملکرد دهیار، عامل اصلی بهبود مستمر در افزایش کارایی و بهبود کیفیت مدیریت جامع روستایی به شمار می‌رود (Daneshvar Ameri et al., 2016).

در ارتباط با عملکرد دهیاری‌ها و مدیریت محلی در توسعه روستاهای کشور، پژوهش‌های زیادی انجام گرفته اما شمار پژوهش‌های مرتبط با عملکرد اقتصاد محور دهیاران، محدود می‌باشد. در این پژوهش‌ها، برخلاف عملکرد کالبدی، به عملکرد ضعیف و نامناسب دهیاری‌های در توسعه اقتصادی و ایجاد فضا مناسب تحول بخشی به فضای کسب و کار روستایی در سطح کشور، تاکید گردیده است.

پژوهش موسویان و همکاران (Musavian et al., 2025) با عنوان شناسایی و تحلیل چالش‌های اقتصادی مدیران محلی در فرآیند توسعه جامعه روستایی، با تمرکز بر قلمرو کوچ‌نشینان شهرستان شفت، انجام شده است. روش تحقیق در این مطالعه از نوع کیفی است که با استفاده از ابزارهای گردآوری داده‌های میدانی (مانند مصاحبه عمیق یا مشاهده) انجام گرفته تا ابعاد پیچیده مدیریت در مناطق عشایری را واکاوی کند. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که مدیران محلی در این مناطق با چالش‌های جدی، نظیر محدودیت منابع مالی، نبود زیرساخت‌های اقتصادی متناسب با الگوی زیستی کوچ‌نشینان و دشواری در مدیریت منابع مشترک میان گروه‌های مختلف روبرو هستند که این مسائل مانعی بر سر راه توسعه پایدار جامعه روستایی به‌شمار می‌روند.

همچنین، یافته‌های پژوهش احمدی میبدی و همکاران (Ahmadi Meybodi et al., 2022) در مقاله‌ای با عنوان تحلیل فضایی عملکرد دهیاری‌ها در راستای توسعه اقتصاد روستایی در بخش مرکزی شهرستان مشهد، نشان داد که عملکرد دهیاری‌ها در توسعه اقتصادی با عدم توازن فضایی مواجه است و میزان مشارکت یا مدیریت فعالیت‌های درآمدزایی در روستاهای مختلف از نظر موقعیت مکانی و دسترسی به خدمات با توجه به سطح زیرکشت، جمعیت، فاصله از شهر مشهد و میزان باسوادی، تفاوت‌های معناداری دارد. همچنین، عملکرد دهیاران در ایجاد اشتغال و درآمد پایدار نامطلوب ارزیابی گردیده است. در نهایت، مطالعه بر لزوم برنامه‌ریزی مکانی دقیق و تمرکز بر نقاط کانون توسعه جهت بهبود عملکرد دهیاری‌ها در ارتقای سطح معیشت روستایی تأکید می‌کند.

پژوهش تقی‌زاده و همکاران (Taghizadeh et al., 2023) با عنوان شناسایی و ارزیابی عملکرد مدیران در توسعه مناطق روستایی(مطالعه موردی: روستاهای دهستان دولت آباد شهرستان مرند)، عملکرد تک‌بعدی دهیاران در توسعه روستایی مبتنی بر اصلاح کالبدی را تایید و مورد انتقاد قرار می‌دهند. در این پژوهش، عملکردهای اقتصادی و اجتماعی دهیاران در سطح رضایت بخش، ارزیابی نگردیده و در واقع، دهیاران نیز به اقدامات مرتبط با بهبود این عرصه‌ها، بی‌توجه بوده‌اند.

در پژوهش نوروزی شیخلر و همکاران (Norouzi Sheikhalar et al., 2023) با عنوان تحلیل نقش حکمروایی در توسعه پایدار اقتصادی از دیدگاه مدیران محلی (دهیار و شوراها) بخش کهک استان قم، بر توسعه اقتصادی به عنوان مهمترین، نیاز محیط روستایی کشور و نقش غیرقابل انکار دهیاری‌ها در حرکت در این مسیر تاکید شده است. در این ارتباط، نتیجه گرفته می‌شود که هرچه دهیاران با اصول حکمرایی روستایی(پاسخگویی، شفافیت، قانونمندی، تعهد) منطبق‌تر بوده‌اند، میزان موفقیت عملکرد اقتصادی آنها نیز افزایش یافته‌است.

پژوهش دیگری توسط توسط ایمانی و خدابخشی (Eimani& Khodabakhshi, 2018) با عنوان ارزیابی شایستگی عملکرد دهیاران در فرآیند توسعه روستایی انجام شده که از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار پیمایشی برای گردآوری داده‌ها در ۳۱ روستای بخش مرکزی شهرستان مشهد بهره برده است. یافته‌های این مطالعه، نشان می‌دهد که دهیاران در ابعاد اجتماعی، جلب مشارکت و برگزاری مراسم عملکرد نسبتاً مطلوبی داشته‌اند، اما در بعد اقتصادی با چالش‌های اساسی نظیر محدودیت زیرساخت‌های اشتغال، مشکلات مالی و ضعف در بازاریابی محصولات مواجه‌اند. در این پژوهش، یکی از موانع اصلی توانمندسازی خانوارهای روستایی در راستای توسعه و تحول معیشتی را فقدان مدیریت محلی کارآمد در راستای ایجاد همگرایی جمعی و ایجاد انگیزه‌های فردی، بیان می‌کنند. مسائل و مشکلات مالی دهیاری‌ها در زمینه ایجاد اشتغال، کنترل و مدیریت هزینه‌ها، تأمین درآمد جهت بهبود و توسعه کارآفرینی و تأمین بازار برای فروش کالا و خدمات کشاورزی و توسعه خدمات برتر در سطح روستا از جمله عواملی است که شایستگی عملکرد دهیاران را در بعد اقتصادی تحت تأثیر خود قرارداده است. نتایج این پژوهش در نهایت تأکید می‌کند که ارتقای شایستگی‌های مدیریتی دهیاران، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و کسب‌وکار، نقشی تعیین‌کننده و مستقیم در پیشبرد اهداف توسعه پایدار روستایی ایفا می‌کند.

شفیعی ثابت و همکاران (Shafiei Sabet et al., 2019) در مقاله‌ای دیگر با عنوان بررسی جایگاه مدیریت روستایی و توانمندسازی ذینفعان محلی در تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی استان سمنان به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد مدیریت بالا به پایین و عدم مشارکت واقعی ذینفعان محلی، موجب شده تا فرآیند توانمندسازی در این نواحی به شکل نامولد عمل کرده و نتواند حس خودباوری، اعتماد و شایستگی را در میان روستاییان تقویت کند، این امر به نوبه خود به ناکارآمدی و نارسایی در تحولات کالبدی (نظیر مسکن، خدمات زیربنایی، شبکه معابر و کاربری اراضی) و عدم رونق اقتصادی روستاها دامن زده است. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که گذر از رویکرد سنتی و اتخاذ رویکرد پایین به بالا و مدیریت اجتماع‌محور، از طریق به‌کارگیری روش‌های مناسب توانمندسازی مولد، پیش‌شرط ضروری برای ایجاد تحولات مثبت کالبدی و به تبع آن توسعه اقتصاد روستایی است.

پژوهش مولایی هشجین و همکاران (Molaei Hashjin et al., 2018)، با هدف ارزیابی تحولات نهادی-مدیریتی در روستاهای شهرستان قائمشهر طی دو دهه اخیر، از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار پیمایشی (پرسشنامه) برای گردآوری داده‌ها از میان ساکنان و خبرگان استفاده کرده است. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که با وجود تغییرات ساختاری در نظام مدیریت روستایی، عملکرد نهادها در ارتقای شاخص‌های کیفی زندگی و مشارکت‌دهی واقعی مردم با چالش‌های ساختاری و اجرایی روبرو است. تاکید اصلی بر بهبود وضعیت مدیریتی – نهادی بوده و غفلت از بعد اقتصادی مشهود است تا در نتیجه، پژوهش بر ضرورت بازنگری در الگوی مدیریت روستایی و تقویت نقش نهادهای محلی برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی تأکید نماید.

رحمانی فضلی و همکاران (Rahmani Fazli et al., 2014) در پژوهشی دیگر با عنوان عملکرد مدیریت مشارکتی– تعاملی دهیاران در توسعه اقتصاد روستایی با تأکید بر عناصر تولید و سرمایه‌گذاری (مورد: بخش مرکزی شهرستان کوهدشت) میزان تغییرات سطح تولید و سرمایه‌گذاری، قبل و بعد از نهاد دهیاری‌ها را

موردسنجش قرار دادند. نتایج، نشان‌دهنده عملکرد مدیریت مشارکتی- تعاملی ضعیف و بدون برنامه دهیاران در توسعه اقتصاد روستایی (در بعد تولید و سرمایه‌گذاری) و اثرگذاری ضعیف در این دو مولفه حیاتی توسعه اقتصادی روستاها است. ضعف سواد اقتصادی، آموزش دیده نبودن، ضعف بودجه و امکانات و عدم حمایت مناسب، مهمترین، موانع در این زمینه عنوان شده‌اند.

همچنین، نتایج پژوهش آکادون (Akadun, 2022) با عنوان ظرفیت نهادی و توسعه اقتصاد روستایی در نواحی روستایی در اندونزی، نشان می‌دهد که عملکرد اقتصاد روستایی نه تنها تابع منابع فیزیکی(وجود زیرساخت‌ها)، بلکه مستقیماً وابسته به ظرفیت نهادی، مدیریت محلی حرفه‌ای و متعهد در ایجاد شبکه‌های همکاری و جذب سرمایه‌های برون‌زا و از آن مهمتر، ایجاد یک سیستم و شرایط اجتماعی پشتیبان است. مدیریت محلی کارآمد با ایفای نقش تسهیل‌گر شبکه‌ای و کاهش موانع بوروکراتیک، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل منابع بالقوه به مزیت‌های رقابتی پایدار ایفا می‌کند.

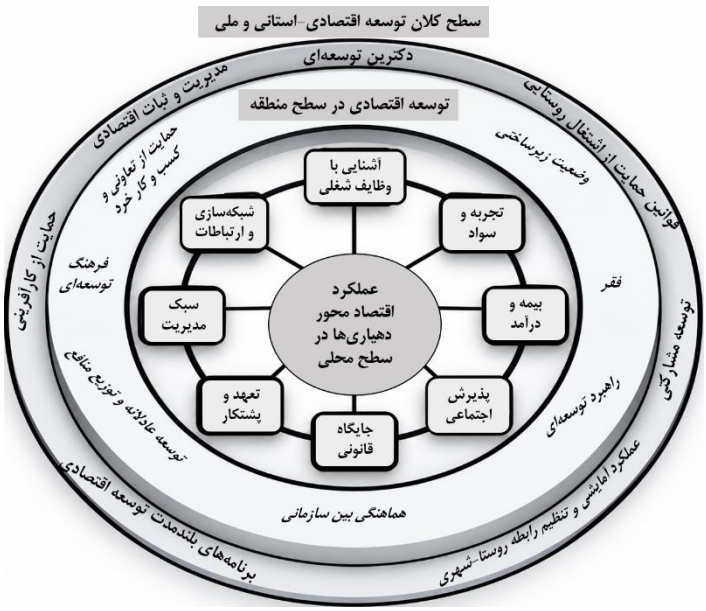
ژائو و همکاران (Guo et al., 2022) نیز، در پژوهشی با عنوان قدرت درونزای توسعه اقتصادی روستایی در چین، مدیریت محلی را به عنوان پیشرانی مؤثر در راستای بهره‌گیری از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی به منظور حرکت به سمت توسعه مشارکتی و تبدیل نیروی انسانی به سرمایه انسانی به عنوان بنیان مهم توسعه اقتصادی در این منطقه، مورد تایید قرار می‌دهد.

دجافری و همکاران (Djafriet al., 2022) در پژوهشی با عنوان بررسی رهبری در برنامه مدیریت توسعه روستا: نقش رهبری محلی در حکمرانی روستاهای اندونزی، تبدیل شدن دهیاران به رهبران محلی را کلید توسعه روستایی و اجرای مؤثر برنامه‌های توسعه‌ای به واسطه همگرایی و جذب مردم محلی می‌دانند. در این پژوهش، اثرگذاری انواع سبک‌های رهبری در ایجاد انگیزه در روستایی به منظور کار و تلاش، مورد سنجش قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش اسکات (Scott, 2004) در مطالعه‌ای دیگر با عنوان توسعه ظرفیت سازمانی با تجربه پیاده‌سازی برنامه LEADER در مناطق روستایی ایرلند شمالی، نشان می‌دهد که چگونه ظرفیت‌سازی نهادی و حکمرانی مشارکتی، می‌توانند محرک اصلی توسعه اقتصادی باشند. یافته‌های پژوهش، تأکید می‌کند که عملکرد اقتصادی مطلوب، نه از طریق دستورالعمل‌های متمرکز، بلکه از طریق ساختارهای مدیریت محلی انعطاف‌پذیر حاصل می‌شود. در این پژوهش، توانمندسازی به جای تصدی‌گری، انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری در کنار توان شبکه‌سازی، برجسته‌ترین ویژگی‌های مدیران محلی کارآمد معرفی شده‌اند.

مدل نظری پژوهش در شکل زیر، نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادمحور دهیاری‌ها و نقش کلیدی آن‌ها در توسعه اقتصادی روستایی، فراتر از توانمندی‌های فردی و ویژگی‌های بومی، عمیقاً به هماهنگی، پشتیبانی و هم‌افزایی با متغیرهای سطح میانی (استانی) و کلان (ملی) وابسته است. این وضعیت، تجلی طبیعی رویکرد مدیریت سیستمی در توسعه است که به دلیل ماهیت چندوجهی چالش‌های روستایی، مستلزم درهم‌تنیدگی سطوح خرد و کلان بر یکدیگر است. در واقع، بایستی یک اکوسیستم مطلوب عملکردی شکل گیرد که در آن تمامی اجزا و عناصر و بازیگران از مقیاس خرد تا کلان به صورت هم‌افزا، تعاملی و در راستای یک چشم‌انداز واحد، در قالب یک شبکه یکپارچه به هم گره خورده و عمل نمایند. در این اکوسیستم، دهیار، دیگر نه یک حلقه

جداگانه، بلکه به عنوان تسهیل‌گر توسعه و نقطه اتصال عمل می‌کند که وظیفه انتقال مطالبات از سطح خرد به کلان و تبدیل سیاست‌های بالادستی به برنامه‌های عملیاتی محلی را بر عهده دارد. بنابراین، توسعه اقتصادی روستاها را نمی‌توان صرفاً به عملکرد دهیاران فروکاست، زیرا دهیاری‌ها، با وجود نقش مهمی که در شناسایی ظرفیت‌های محلی، تسهیل مشارکت و پیگیری برنامه‌های توسعه‌ای دارند، تنها یکی از اجزای نظام چندسطحی توسعه روستایی‌اند.



شکل۲: مدل نظری پژوهش، منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش کاربردی حاضر از حیث روش گردآوری، توصیفی- تحلیلی مبتنی بر گردآوری داده‌ها در بخش نظری با منابع اسنادی و در بخش عملی به روش پیمایشی مبتنی بر مصاحبه و توزیع پرسشنامه بوده‌است. این پژوهش از منظر روش‌شناسی در زمره تحقیقات کمی با رویکرد اکتشافی قرار می‌گیرد که با هدف مدل‌سازی دقیق مؤلفه‌های مؤثر بر عملکرد اقتصادمحور دهیارهای شهرستان مریوان طراحی شده است. ضرورت انتخاب این مسیر، ناشی از محدودیت دسترسی به منابع آماری ثانویه و فقدان بانک‌های اطلاعاتی منسجم در حوزه مدیریت اجرایی و شاخص‌های توسعه اقتصادی نواحی روستایی مورد مطالعه است. در واقع، به دلیل ماهیت پیچیده متغیرها و ضرورت عملیاتی‌سازی دقیق شاخص‌های تأثیرگذار بر عملکرد اقتصادی دهیاران، فرآیند پژوهش در دو مرحله پیوسته تدوین گردید. در مرحله نخست، به منظور استخراج و شناسایی متغیرهای کلیدی و ساختارمند، از یک پنل تخصصی متشکل از خبرگان (تعیین ۲۳ نفر از صاحب‌نظران به روش هدفمند) استفاده شد. این مرحله که مبتنی بر تکرار سنجش‌ها(مصاحبه‌ها) تا حصول اجماع نظری(شنیدن پاسخ‌های تکراری) طراحی شده بود به

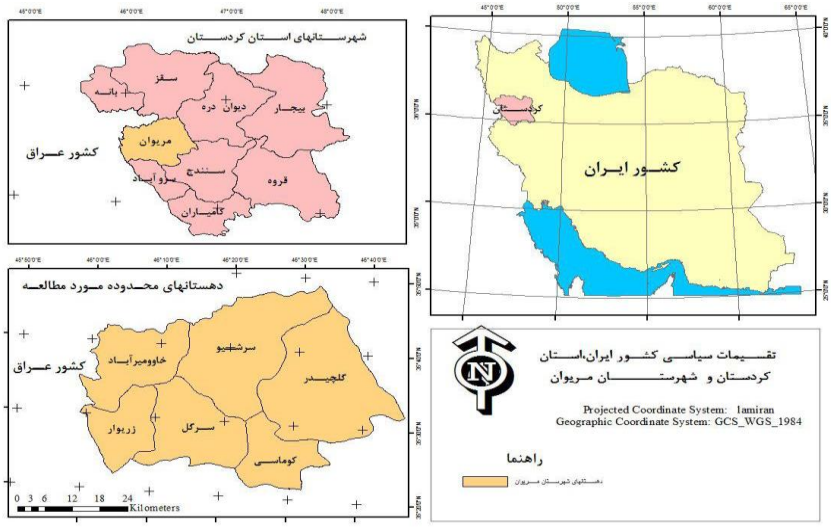
استخراج و طبقه‌بندی مفاهیم و شاخص‌های مبنایی انجامید تا داده‌های خام جهت ورود به تحلیل‌های آماری مهیا گردند. در مرحله دوم، با تکیه بر داده‌های مستخرج از این فرآیند، جهت تأیید مدل و اعتبارسنجی ساختار مؤلفه‌ها، از آزمون‌های کمی تحلیل عاملی استفاده شد تا یافته‌های اولیه به صورت نظام‌مند مورد سنجش قرار گرفته و قابلیت تعمیم‌پذیری آن‌ها در مقیاس منطقه‌ای اثبات گردد.

گروه مسئولین: در این گروه، علاوه بر درنظرگرفتن نهادهای متعدد درگیر در امر توسعه روستاهای شهرستان، مسئولیت داشتن افراد به مدت ۳ سال به بالا در عرصه مدیریتی، آگاه به شرایط منطقه و داشتن بنیه علمی مناسب در ارتباط با توسعه روستایی و یا حوزه تخصصی خود در عرصه توسعه روستاهای شهرستان مدنظر، قرارگرفتند. بر این اساس، فرمانداری شهرستان، بخشداری‌های سه بخش روستایی شهرستان، جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، منابع طبیعی، محیط زیست، میراث فرهنگی و گردشگری، تعاون روستایی و صندوق کارآفرینی امید، به واسطه تعیین کننده بودن نقش‌های آنها در عرصه توسعه روستایی شهرستان، به عنوان سازمان‌های هدف تعیین و با مراجعه به این سازمان‌ها، افرادی با ویژگی‌های ذکر شده، انتخاب گردیدند.

گروه دهیاران: در پژوهش حاضر دهیاران به عنوان مدیران محلی و افرادی که بیشترین آشنایی را با وضعیت میدانی و محلی روستاها و جهت‌گیری و منابع و اقدامات دولتی دارند، بسیار اثرگذار عمل کردند. در این ارتباط، به انتخاب بخشداری‌های سه‌گانه شهرستان مریوان، دهیاران نمونه مراکز شش گانه دهستان‌ها، انتخاب و بکار گرفته شدند.

متخصصان علمی و آگاهان: در این گروه، انتخاب و تعیین افراد با توجه به مرتبط بودن رشته تحصیلی به توسعه و به ویژه توسعه روستایی، دارا بودن تحصیلات عالیه در رشته مربوطه، بومی بودن و دارا بودن پژوهش‌های مرتبط با روستاهای مورد مطالعه، انجام گرفت. در این گروه، کارشناسان طرح توسعه منظومه روستایی شهرستان مریوان و طرح توسعه اقتصادی و اشتغالزایی روستایی شهرستان مریوان، به واسطه دارا بودن بنیه علمی و بازدید از تمامی روستاها مدنظر قرارگرفتند.

در راستای تکمیل فرآیند گردآوری داده‌های پیمایشی و دستیابی به حجم نمونه مطلوب جهت تحلیل‌های آماری، نمونه‌گیری از میان گروه‌های تخصصی با استفاده از روش زنجیره‌ای و به شیوه هدفمند بر مبنای معیارهای ذکر شده، انجام شد. بر این اساس، پرسشنامه‌ها با بهره‌گیری از ۵۵ نفر شامل ۲۵ مسئول اجرایی، ۱۸ متخصص علمی و ۱۲ نفر از دهیاران و آگاهان محلی تکمیل گردید تا دقت و تعمیم‌پذیری مدل مورد سنجش قرار گیرد. به منظور تعیین روایی پژوهش علاوه بر بهره‌گیری از روش تحلیل عاملی که خود، نوعی روایی سازه محسوب می‌شود، با توزیع ۱۰ پرسشنامه به صورت پیش‌آزمون در میان پاسخگویان و تایید پرسشنامه توسط متخصصان علمی، سعی گردید که روایی صوری و محتوایی هم سنجیده شود. مقدار ضریب آلفای محاسبه شده هم برابر ۰,۷۴ نشان از تایید پایایی پاسخ‌های ارائه شده از سوی پاسخگویان دارد.



شکل ۳. نمایش موقعیت منطقه مورد مطالعه، منبع:(نگارندگان، ۱۴۰۵)

نتایج و بحث

پس از انجام کدگذاری باز و تعیین کدهای مشترک، متغیرهایی که به عنوان مهمترین، عوامل بازدارنده عملکرد اقتصاد محور دهیاری‌ها در نواحی روستایی شهرستان مریوان دارای اثرگذاری می‌باشند (۶۴ متغیر)، شناسایی گردیدند. در ادامه به منظور خلاصه سازی و تلفیق این متغیرها در قالب عوامل اصلی و تایید و تعمیم آنها، از آزمون تحلیل عاملی نوع اکتشافی مبتنی بر روش تحلیل مولفه‌های اصلی[1] و چرخش واریمکس[2]، بهره گرفته شد. در ابتدا برای آزمون مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل در خصوص عوامل و برای شروع تحلیل عاملی، از آزمون Bartlett و KMO استفاده شد. معناداری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹٪ درصد و مقدار مناسب KMO حاکی از همبستگی کیفی و مطلوبیت کمی متغیرهای مورد نظر برای انجام تحلیل عاملی است.

جدول ۱ : نتایج آزمون kmo و بارتلت جهت انجام تحلیل عاملی

مجموعه متغیرهای مورد تحلیل	مقدار KMO	مقدار بارتلت	سطح معناداری
عوامل بازدارنده عملکرد اقتصاد محور دهیاری‌ها در راستای تحول اقتصادی نواحی روستایی شهرستان مریوان	۰/۶۹۸	۷/۰۶	۰/۰۰

منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

شاخص‌های بارگذاری شده در هر عامل که بیشتر از ۱ هستند، یک عامل را شکل می‌دهند. نتیجه حاصله، تقلیل ۶۴ شاخص به ۴ عامل بود که در مجموع، قریب به ۶۶ درصد از واریانس‌ها را تبیین می‌کنند. این رقم، نشانگر

[1] Extraction method principal component analysis
[2] Varimax rotation

رضایت‌بخش بودن تحلیل عاملی و متغیرهای مورد بررسی، جهت تلفیق در عوامل است. مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول(۲) آورده شده‌است. همچنین، مبنای بارعاملی برای متغیرها، جهت تجمع معنی‌دار در عامل‌ها، مقدار ۰/۵ قرارداده شد. لازم به ذکر است که با توجه به تجمع تمامی موانع شناسایی شده در عامل‌ها، سایر عوامل تشکیل شده در آزمون تحلیل عاملی که دارای مقدار ویژه بیشتر از ۱ بودند به دلیل تکراری و بی‌اهمیت بودن حذف گردیدند و ۴ عامل اصلی که بیشترین واریانس‌ها و مقدار ویژه را داشتند، درنظرگرفته شدند.

جدول ۲. عامل‌بندی متغیرهای مورد مطالعه

عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۱۵/۲۸	۲۵/۴۶	۲۵/۴۶
۲	۱۰/۴۶	۱۷/۴۳	۴۲/۹۰
۳	۷/۵۲	۱۲/۵۴	۵۵/۴۴
۴	۶/۲۸	۱۰/۴۷	۶۵/۹۲

عامل اول: این عامل با مقدار ویژه برابر ۱۵/۲۸ و تبیین ۲۵/۴۶ درصد واریانس‌ها،۲۴ متغیر یا مانع را در خود جای داده‌است. با نگاهی به شاخص‌های تجمع یافته، می‌توان دریافت که ایجاد این شاخص‌ها و نحوه عملکرد و اثرگذاری آنها، می‌توان این عامل را ((**ضعف مدیریت راهبردی توسعه و فضای نامناسب کسب و کار در راستای تحول اقتصادی**))، نام نهاد. این عامل نشان‌دهنده ناکارآمدی ساختاری در چرخه‌ی برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر توسعه است. ریشه‌ی این معضلات را باید در تعامل مستقیم سیاست‌گذاری‌های دولتی با فضای کسب‌وکار جست‌وجو کرد، به‌ویژه در منطقه مورد مطالعه که به دلیل ضعف ظرفیت‌های محلی و نبود بخش خصوصی توانمند، دولت به عنوان تنها بسترساز جریان توسعه، نقشی تعیین‌کننده دارد. فقدان حمایت‌های ساختاری و نبود فضای کسب‌وکار مساعد، جریان توسعه را با رکود مواجه ساخته و عملاً دسترسی دهیاران به اهداف اقتصادی را با شکست مواجه می‌کند. بر این اساس، مؤلفه‌های کلیدی این عامل که بیشترین بار عاملی را دارند به ترتیب عبارت‌اند از:

عدم وجود برنامه بلندمدت توسعه اقتصادی در سطح شهرستان با تعیین نقش روستاها در قالب زنجیره محصولات کلیدی و خوشه‌های کسب و کار: فقدان یک دکترین راهبردی و برنامه توسعه‌ای مبتنی بر آینده‌نگری و ظرفیت‌های بومی، منجر به توسعه پراکنده، پروژه‌محور و کوتاه‌مدت در روستاهای مریوان شده است. این رویکرد جزیره‌ای و عدم اتخاذ مدل‌های سیستمی و منطقه‌گرا، مانع از مشخص شدن جایگاه دقیق روستاها در زنجیره‌های ارزش و خوشه‌های اقتصادی شده است. در نتیجه، نبود یک مسیر مشخص در مدیریت توسعه، دهیاران را در تعیین ماموریت‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی با ابهام و عدم قطعیت مواجه می‌سازد.

ضعف زیرساخت‌های اساسی تخصصی در حوزه ظرفیت‌های رقابتی روستاها: فقدان زیرساخت‌های عمومی، رفاهی و به‌ویژه زیرساخت‌های تخصصی متناسب با ظرفیت‌های بومی، یکی از موانع اصلی توسعه اقتصادی در

روستاهای مریوان است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای کالبدی فعلی، بسترسازهای لازم برای تبدیل مزیت‌های نسبی به فرصت‌های اقتصادی را فراهم نمی‌آورد. به عنوان نمونه، در مناطق دارای پتانسیل‌های شاخص همچون گردشگری در حاشیه زریوار، دامداری در سرشیو و تولید محصولات کشاورزی و گیاهان دارویی، نبود مراکز اقامتی، کارگاه‌های فرآوری و خدمات رسانی، مانع از ادغام این روستاها در زنجیره‌های ارزش و خوشه‌های اقتصادی شده است. این نقص ساختاری، هرگونه تلاش برای توسعه مبتنی بر ظرفیت‌های محلی را با بن‌بست مواجه کرده و در نهایت، توان اجرایی دهیاران را در مسیر عملیاتی‌سازی ایده‌های توسعه اقتصادی با چالش‌های جدی روبرو می‌سازد.

عدم یکپارچگی و هم‌افزایی مدیریت توسعه‌ای: وقتی توسعه به جای یک کل یکپارچه، به قطعات کوچک و پراکنده (آموزشی، کشاورزی، زیرساختی، رفاهی و...) تقسیم می‌شود که هر کدام توسط نهادی جداگانه مدیریت می‌شوند، دهیار در این میان دچار بن‌بست عملیاتی می‌شود و مجبور است وقت خود را صرف پیگیری درخواست‌های تکه‌تکه و غیرمرتبط از ادارات مختلف کند که هیچ‌کدام با هم هم‌افزایی ندارند.

تخریب گسترده منابع و سرمایه‌های طبیعی: تحول اقتصادی در نواحی روستایی مورد مطالعه بر بستر منابع طبیعی خواهد بود و مهمترین سرمایه‌های معیشتی روستاییان را شامل می‌گردد. تخریب منابع طبیعی که به واسطه بهره‌برداری افراطی آنها ناشی از تسلط و گسترش فقر در منطقه از سوی روستاییان و دیدگاه رشدگرای افراطی از سوی مسئولین توسعه‌ای است به معنی از میان رفتن مهمترین، توان‌های تحول اقتصادی و ظرفیت‌های عملکردی برای دهیاران خواهد بود.

جدول۳: شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل اول

ردیف	شاخص‌ها	بارعاملی
۱	تلقی توسعه کشاورزی به عنوان توسعه روستایی و عدم ارزش افزایی رضایت بخش فعالیت‌های کشاورزی بواسطه سنتی بودن در منطقه	۰/۵۲۷
۲	فقدان نظام سالم بازاریابی و بازاررسانی و نبود خدمات پشتیبان در تولیدات	۰/۸۵۰
۳	عدم وجود برنامه بلندمدت توسعه اقتصادی در سطح شهرستان با تعیین نقش روستاها در قالب زنجیره محصولات کلیدی و خوشه‌های کسب و کار	۰/۹۱۹
۴	عدم حمایت از تشکل و گسترش تعاونی‌ها	۰/۵۴۳
۵	ضعف و عدم روی آوردن به رویکرد توسعه مشارکتی در منطقه و نخبه‌گرایی و دید بالا به پایین	۰/۶۲۵
۶	عدم اعتقاد مردم محلی و سرمایه‌داران شهری به برگشت سرمایه و سود آن با سرمایه‌گذاری در محیط روستاها	۰/۶۱۳
۷	ضعف در جذب بخش خصوصی توانمند و نقش آفرینی آنها(ضعف قوانین حمایتی و پشتیبانی بخش خصوصی)	۰/۷۱۳
۸	در حاشیه بودن روستاها نسبت به شهر مریوان در یک مدل مرکز-پیرامون(نابرابری نواحی شهری با روستایی)	۰/۷۸۷
۹	عدم یکپارچگی و هم‌افزایی مدیریت توسعه‌ای	۰/۸۶۱
۱۰	الگوی دوگانگی توسعه و نابرابری‌های درون روستایی(عدم رشد همراه با توزیع)	۰/۶۹۷
۱۱	تخریب گسترده منابع و سرمایه‌های طبیعی	۰/۸۰۰
۱۲	عدم نهادگرایی و تنوع بخشی به سیاست‌های اجرایی بر حسب نیازهای مناطق و ایجاد رقابت‌گرایی عملکردی بین مناطق	۰/۶۷۱
۱۳	بی‌تفاوتی به نفوذ در بازار و جذب تقاضای اقلیم کردستان عراق کردستان	۰/۷۶۷
۱۴	عدم عملکرد اثربخش مراکز دهستان در نشت و حمایت از جریان توسعه در منطقه	۰/۸۷۵

ردیف	شاخص‌ها	بارعاملی
۱۵	عدم ثبات اقتصاد کلان و محیط کسب و کار ناپایدار عرصه ملی تا محلی	۰/۷۴۸
۱۶	شکست کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاری‌های قبلی در سطح روستاها و بازتاب آن در میان مردم شهری و روستایی و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در منطقه	۰/۵۳۹
۱۷	عدم اعتقاد مردم محلی و سرمایه‌داران شهری به برگشت سرمایه و سود آن با سرمایه‌گذاری در محیط روستاها	۰/۷۱۹
۱۸	تسلط واسطه گری و مشاغل کاذب بر عرصه اشتغالزایی سطح منطقه(سازمان یافته و یا به صورت کولبری و..)	۰/۶۱۷
۱۹	عدم وجود نمونه قبلی و یا فرهنگ کسب و کار مشترک در میان روستاییان	۰/۷۲۰
۲۰	عدم حمایت از کارآفرینان جوان روستاها و بی‌انگیزگی در میان این افراد و سایر جوانان	۰/۶۳۰
۲۱	مدیریت امنیتی مرز	۰/۷۷۶
۲۲	عدم حمایت خانواده‌ها از راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا توسط جوانان	۰/۶۸۰
۲۳	ضعف زیرساخت‌های اساسی خدماتی و رفاهی و کالبدی عمومی(عدم حمایت کالبد از توسعه اقتصادی)(منابع انرژی، راه‌های مواصلاتی، تکنولوژی‌های کشاورزی مورد نیاز و..) ،	۰/۸۱۳
۲۴	ضعف زیرساخت‌های اساسی تخصصی در حوزه ظرفیت‌های رقابتی روستاها(برای نمونه توسعه گردشگری یا به صورت ویژه‌تر گردشگری سلامت در حوزه تالاب یا ورزشی در حوزه سد و..)	۰/۹۰۱

منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

عامل دوم: این عامل با مقدار ویژه برابر ۴۶ /۱۰ و تبیین ۱۷/۴۳ درصد واریانس‌ها، ۱۲ شاخص یا مانع را در خود جای داده‌است. با توجه به ماهیت داده‌های تجمع یافته، می‌توان این عامل را((**سطح نازل ظرفیت‌های مرم محلی و تسلط خرده فرهنگ دهقانی**)) نامید. تحقق توسعه اقتصادی و ارتقای عملکرد دهیاری‌ها به عنوان مدیریت محلی، مستلزم وجود بسترهای اجتماعیِ توسعه‌محور است که در حال حاضر در روستاهای شهرستان مریوان با نارسایی‌های جدی روبروست. در واقع، فقدان ظرفیت‌های لازم برای توانمندسازی جامعه، مانعی جدی در مسیر گذار از اقتصاد وابسته به اقتصاد خودکفا و توسعه‌محور ایجاد کرده است. این چالش‌ها در چندین لایه قابل بررسی هستند: نخست، ضعف در آگاهی و مهارت روستاییان جهت شناسایی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های محیطی، و دوم، فقدان استقلال و روحیه ریسک‌پذیری که منجر به وابستگی مفرط به سازمان‌های دولتی و انتظار برای تحولات برون‌زا شده است. علاوه بر این، وجود موانع فرهنگی و ساختاری نظیر مقاومت در برابر فناوری‌های نوین، عدم پذیرش اشتغال رسمی زنان، غلبه تفکرات تقدیرگرایانه و قوم‌محوری و گرایش به مشاغل کاذب و غیررسمی (مانند قاچاق) به جای مهارت‌آفرینی و تولید، از عوامل بازدارنده اصلی هستند. در کنار این مسائل، ضعف شدید زیرساخت‌ها در مناطق دورافتاده و حمایت‌های ناچیز از بخش‌های حیاتی مانند کشاورزی و کارآفرینی، در کنار ناتوانی در ایجاد تعاونی‌های کارآمد، همگی نشان‌دهنده این واقعیت است که روستاییان مریوان در حال حاضر فاقد ظرفیت‌های لازم برای تبدیل شدن به یک جامعه توانمند و محرک اصلی تحول اقتصادی هستند .در میان متغیرهای تجمع یافته در این شاخص، سه متغیر زیر دارای بیشترین بار عاملی یا به عبارتی، بیشترین اثرگذاری در تشکیل عامل مذکور هستند.

تبدیل شدن فقر به تله فقر(تداوم بین نسلی): فقر در روستاهای منطقه، فراتر از یک محدودیت اقتصادی، به صورت یک چرخه معیوب و نسل‌به‌نسل، فقر فرهنگی، اجتماعی و مهارتی را ترویج کرده است. این وضعیت منجر به شکل‌گیری یک تله فقر شده که در آن، فقدان ظرفیت‌های ذهنی و مهارت‌های لازم، مانع از پذیرش

رویکردهای نوآورانه و ریسک‌پذیری در برابر برنامه‌های توسعه‌ای می‌گردد. در نهایت، این چرخه باعث می‌شود که فرصت‌های بالقوه در حوزه‌هایی نظیر گردشگری، کشاورزی و تولیدات خرد، به دلیل فقدان توانمندی‌های محلی، به منافع اقتصادی تبدیل نشوند و دهیاری نیز در یک بن‌بست مدیریتی قرار گیرد، چرا که نه ابزار لازم برای بازتعریف خلاقیت در جمعیت آسیب‌پذیر را دارد و نه می‌تواند پتانسیل‌های موجود را از طریق مهارتهای ضعیف محلی به توسعه منجر کند.

ارزشی شدن قاچاق کالا، مشاغل کاذب و قانون‌گریزی اقتصادی در فضای کسب و کار محلی: در مناطق مرزی همانند منطقه مورد مطالعه پژوهش حاضر که سال‌ها، قاچاق کالا برای روستاییان، مهمترین منبع درآمد آنها بوده و در وضعیت فعلی نیز مشاغل واسطه‌ای و کاذب دارای درآمدی مناسب و تصمین شده‌ای با کمترین ریسک می‌باشد، حرکت به سمت تحول اقتصادی مبتنی بر ایجاد و راه‌اندازی کسب و کارهای نوپای فردی و جمعی که به واسطه شرایط اقتصادی و اجتماعی و زیرساختی نامناسب منطقه دارای ریسک بسیار زیادی است، بی‌معنی خواهد بود.

ضعف در تعاون و سرمایه اجتماعی روستاییان منطقه: وجود فرهنگ تعاون و سرمایه اجتماعی مناسب، می‌تواند پوشش‌دهنده بسیاری از ضعف‌ها و نارسایی‌ها به ویژه در حوزه مالی و کالبدی در راستای تحول اقتصادی در نواحی روستایی محروم باشد. بدون سطح مناسب سرمایه اجتماعی که همانند روان‌کننده‌ای، مسیر تحول و بازآفرینی اقتصادی را تسهیل می‌سازد، نمی‌توان انتظار همگرایی و انسجام جمعی در راستای تحول و ایجاد یک جامعه توسعه محور را داشت و قدر مسلم بر نامناسب بودن فضای کسب و کار افزوده خواهد شد.

جدول۴: شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل دوم

ردیف	شاخص‌ها	بارعاملی
۱	عدم ریسک‌پذیری مردم محلی جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا	۰/۷۹۵
۲	فقر قابلیتی در میان روستاییان	۰/۷۶۹
۳	احساس طردشدگی و انزوای فقرا	۰/۷۵۸
۴	فرهنگ تقدیرگرایی و عدم نشاط اجتماعی روستاییان	۰/۸۳۹
۵	شناختن دولت به عنوان تنها متولی توسعه در روستاهای منطقه	۰/۶۱۹
۶	ضعف در تعاون و سرمایه اجتماعی روستاییان منطقه	۰/۸۹۳
۷	مهاجرت گسترده و تغییر ساختمان جمعیت	۰/۷۴۸
۸	ارزشی شدن قاچاق کالا، مشاغل کاذب و قانون گریزی اقتصادی در فضای کسب و کار محلی	۰/۸۶۹
۹	عدم همکاری مردم در اجرای برنامه‌های عملیاتی سرمایه‌گذاری‌های کلان منطقه و فاصله‌گیری و کاهش اعتماد به نهادهای دولتی	۰/۷۰۱
۱۰	تبدیل شدن فقر به تله فقر(تداوم بین نسلی)	۰/۹۳۹
۱۱	عدم تمایل بواسطه اعتقادات مذهبی توسط مردم محلی به دریافت وام	۰/۵۰۱
۱۲	اختلافات قومی و محلی در روستاها	۰/۶۱۲

منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

عامل سوم: این عامل با مقدار ویژه برابر ۷/۵۲ و تبیین ۱۲/۵۴ درصد واریانس‌ها، ۱۶ شاخص یا مانع را در خود جای داده‌است. با توجه به فراوانی و گرایش شاخص‌های تجمع‌یافته، می‌توان این عامل را ((**سطح نازل توسعه ظرفیتی دهیاران**)) نامید. دهیاران به عنوان مدیران محلی در عرصه روستاها به منظور ایجاد تحول اقتصادی و

عملکرد اقتصاد محور، نیازمند دارا بودن سطح مناسب ظرفیت‌هایی هستند که بتوانند با بسیج امکانات و توان‌های جمعی، زمینه‌های توان‌افزایی جامعه محلی و بازساخت محیط اقتصادی روستاها را فرآهم آورند. زمانی می‌توان از عملکرد اقتصاد محور دهیاران سخن به میان آورد که این قشر نیز دارای توان‌ها، دانش و مهارت علمی و عملی مورد نیاز در راستای حرکت در این مسیر را داشته باشند. سه شاخص زیر دارای بیشترین بارهای عاملی یا تشکیل عامل مذکور هستند.

وضعیت نامناسب دریافتی‌های مالی و وضعیت بیمه‌ای دهیاران: موضع قانونی دهیاری‌ها به عنوان نهادهای عمومی غیردولتی، با واقعیت‌های مدیریتی بسیار متناقضی روبرو است که مانع از ایفای نقش توسعه‌ای آن‌ها می‌شود. عدم استقرار ساختار درآمدی پایدار و فقدان امنیت شغلی، منجر به کاهش شدید انگیزه دهیاران برای نقش‌آفرینی مؤثر در روستا شده است. وضعیتی متناقض از جمله قراردادهای پاره‌وقت و نیمه‌وقت، پرداخت حقوق بر مبنای کارکرد ساعتی و عدم برخورداری از پوشش بیمه‌ای مناسب، جایگاه دهیار را از یک مدیر توسعه به یک کارگر قراردادی، تقلیل داده است. از این رو، تحقق هرگونه تحول اقتصادی در روستاهای منطقه، مستلزم بازنگری در ساختار شغلی دهیاران و تأمین امنیت معیشتی آن‌هاست تا بتوانند با انگیزه و توانمندی لازم، مدیریت محلی را پیش ببرند.

ناآشنایی دهیاری‌ها با اصول نوین توسعه و تحول اقتصادی در روستاها: از منظر ذهنی، دهیاران به دلیل فقدان دانش مدیریت توسعه‌ای، عملکرد خود را به امور صرفاً کالبدی و اداری محدود کرده و با نگاهی منفعلانه، مسئولیت اصلی تحول اقتصادی را بر عهده نهادهای دولتی می‌دانند، این امر مانع از بهره‌گیری آن‌ها از ظرفیت‌های جمعی و ایجاد تعاونی‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. از منظر ساختاری نیز، کمبود شدید منابع مالی و نبود پشتیبانی‌های لازم، توان اجرایی دهیاری را در مدیریت فرصت‌های اقتصادی با چالش مواجه کرده است. در نتیجه، بدون گذار از الگوی مدیریت خدماتی به الگوی مدیریت کارآفرینانه و تقویت توانمندی‌های مالی و دانش مدیریتی، دهیاری‌ها نمی‌توانند نقش محرک را در تحول اقتصادی و اجتماعی روستاهای منطقه ایفا کنند.

سبک مدیریت سنتی و آمرانه دهیاری‌ها در حوزه محلی: سبک مدیریتی دهیاران، تعیین‌کننده میزان همگرایی و مشارکت جامعه محلی در فرآیندهای توسعه است، اما واقعیت موجود در منطقه نشان می‌دهد که مدیریت دهیاری‌ها همچنان بر پایه رویکردهای آمرانه، تک‌محوری و تمرکزگرایانه، استوار است. این سبک مدیریت که فاقد ویژگی‌های مشارکت‌محور است، به جای ایجاد بستری برای رهبری اجتماعی، تنها به اجرای پروژه‌های کالبدی ساده می‌پردازد و توان جذب حمایت و مشارکت داوطلبانه مردم را ندارد. این مسئله که از عدم آشنایی دهیاران با اصول نوین مدیریت توسعه‌ای و نگاه منفعلانه به توانمندی‌های روستاییان نشأت می‌گیرد، منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد میان مردم و مدیران محلی شده است. در نهایت، این فاصله میان سبک مدیریت متمرکز و نیاز به مدیریت مشارکتی، اصلی‌ترین مانع در مسیر تحقق برنامه‌های توسعه‌ای و هدایت منافع جمعی روستاییان است.

جدول۵: شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل سوم

ردیف	شاخص‌ها	بارعاملی
۱	سطح سواد و تحصیلات اندک دهیاران به ویژه در سطح تحصیلات تخصصی و اقتصاد محور	۰/۸۷۰
۲	وضعیت نامناسب دریافتی‌های مالی و وضعیت بیمه‌ای دهیاران	۰/۹۱۸
۳	ناآشنایی دهیاری‌ها با اصول نوین توسعه و تحول اقتصادی در روستاها	۰/۹۰۴
۴	توزیع ناعادلانه بودجه دهیاری‌ها بر حسب جمعیت و نه توانمندی و قدرت نقش آفرینی روستا	۰/۶۱۲
۵	ناکارآمدی معیارهای انتخاب دهیار	۰/۶۳۷
۶	کاهش اعتماد میان مردم محلی و دهیاران	۰/۵۶۱
۷	قدرت چانه‌زنی اندک دهیاران	۰/۷۵۳
۸	بودجه اندک دهیاری‌ها	۰/۸۰۷
۱۰	محدودیت اختیارات دهیاری‌ها به ویژه در حوزه تصویب قوانین	۰/۸۳۷
۱۱	تلقی از توسعه روستایی به معنی توسعه کشاورزی از سوی دهیاران	۰/۸۳۶
۱۲	عدم وجود تجربه موفق و سرآمد دهیاری‌های منطقه در حوزه اقتصادی	۰/۵۹۳
۱۳	سبک مدیریت سنتی و مستبدانه دهیاری‌ها در حوزه محلی	۰/۸۹۵
۱۴	فقدان تشکل صنفی میان دهیاری‌ها	۰/۶۵۷
۱۵	عدم توانایی کمک شوراها به دهیاران	۰/۵۵۲
۱۶	حجم بالای وظایف و مراجعات به دهیاری‌ها	۰/۶۲۷
۱۷	عدم تبیین و تعیین جایگاه دهیاری در روستا و نداشتن آگاهی کامل مردم از وظایف دهیاران	۰/۵۹۸

منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

عامل چهارم: این عامل با مقدار ویژه برابر ۶/۲۸ و تبیین ۱۰/۴۷ درصد واریانس‌ها، ۷ شاخص یا مانع را در خود جای داده‌است. با توجه به ماهیت شاخص‌ها یا متغیرهای بازدارنده، می‌توان این عامل را ((**عدم تامین پایدار منابع مالی در زمینه حمایت، پشتیبانی و تحول اقتصادی**))، نام نهاد. تحقق عملکرد اقتصادمحور در دهیاری‌ها، مستلزم دسترسی پایدار به منابع مالی است که در حال حاضر به دلیل ضعف‌های ساختاری، امکان‌پذیر نیست. در این میان، شکاف عمیقی میان کنشگران اصلی (بخش خصوصی، دولت و مردم) وجود دارد، از یک سو بخش خصوصی کارآمد در روستاها حضور ندارد و از سوی دیگر، تمایل مردم محلی به سرمایه‌گذاری و ریسک‌پذیری بسیار ناچیز است. در این خلاء، تامین منابع مالی تنها به حمایت‌های دولتی وابسته شده که خود با چالش‌هایی نظیر فرآیندهای پیچیده اداری و تضامین سخت، کارایی لازم را ندارد. علاوه بر این، پروژه‌های اشتغال‌زایی دولتی نیز به دلیل تمرکز بر مقیاس‌های بزرگ و استفاده از نیروی کار غیربومی، نه تنها منافع اقتصادی ملموسی برای روستاییان ایجاد نمی‌کنند، بلکه با ایجاد آسیب‌های زیست‌محیطی، منجر به نارضایتی‌های اجتماعی در سطح روستاها شده‌اند.

توسعه اقتصاد محلی در روستاهای منطقه با چالش‌های بنیادین در حوزه تأمین سرمایه و بازتوزیع ثروت، روبرو است. نخست، با وجود پتانسیل‌های بکر در حوزه‌های گردشگری و کشاورزی، بخش خصوصیِ اثرگذار در روستاها شکل نگرفته است، چرا که سرمایه‌گذاران به دلیل فقدان حمایت‌های لازم، عدم ایجاد مشوق‌ها و ریسک بالا، به جای سرمایه‌گذاری در تولیدات روستایی، به سمت توسعه صنایع در شهرک‌های صنعتی شهری (مانند مریوان) گرایش یافته‌اند که پیامد آن، تنها به‌کارگیری محدود روستاییان در سطوح پایین شغلی است.

در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های خرد مردم محلی و ایجاد صندوق‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و تعاونی‌ها به واسطه ضعف بنیان مالی روستاییان، عدم آگاهی و اطمینان از سودآوری و اثرگذاری تشکیل تعاونی‌ها و سرمایه‌گذاری مشترک، فقدان نمونه‌های مشابه در سطح منطقه، مهارت اندک روستاییان و تلقی از تولید به معنای کارخانه‌های واقع در شهرک صنعتی و عدم اطمینان به سودآروی فعالیت‌های خرد خانگی و کارگاهی درون روستایی و در نهایت، عدم حمایت قانونی و اطمینان بخشی به مردم محلی، موجب گردیده تا پس اندازها و منابع مالی خرد روستاییان، هم نه در راستای اشتغال و حمایت از کسب و کارهای جوانان روستا بلکه با انتقال به شهر مریوان در بخش مسکن و زمین و یا دیگر مشاغل واسطه‌ای، هزینه شود.

در بخش دولتی هم، بروکراسی اداری، تضامین سخت بانکی و حجم اندک تسهیلات دولتی، مانع اصلی راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا در روستاها است. از آنجا که سیاست‌های فعلی تنها بر ایجاد اشتغال اولیه تمرکز دارند و توان تأمین سرمایه در گردش برای پایداری مشاغل را ندارند، این رویکرد نمی‌تواند در مناطق با فقر گسترده و زیرساخت‌های ضعیف، انگیزه‌ای برای دهیاری‌ها جهت حرکت به سمت مدیریت اقتصادمحور و تحول اقتصادی ایجاد کند.

جدول۶: شاخص‌ها و بارهای عاملی تجمع‌یافته در عامل چهارم

ردیف	شاخص‌ها	بارعاملی
۱	بروکراسی اداری، عدم تمایل مردم محلی به دریافت وام‌های اشتغالزایی	۰/۸۹۴
۲	عدم وجود صندوق‌های خرد محلی و کمبود سرمایه مردم محلی	۰/۷۵۸
۳	عدم شبکه‌سازی و تشویق سرمایه‌داران بومی روستاها جهت بازگشت سرمایه(از شهر) و سرمایه‌گذاری بر روی توانمندی روستاها	۰/۶۹۰
۴	عدم زمینه‌سازی جهت ورود بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری	۰/۶۹۵
۵	عدم تخصیص اعتبارات کافی جهت توسعه فعالیت‌ها در منطقه	۰/۷۶۱
۶	کمبود اعتبارات دهیاری‌ها	۰/۷۶۷
۷	تلقی از اشتغالزایی و پایداری مشاغل روستایی به معنی تزریق منابع مالی محدود از سوی دولت	۰/۸۸۰

منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

در یک جمع‌بندی و تجمیع داده‌ها مبتنی بر جدول (۷)، عامل نخست با عنوان ضعف مدیریت راهبردی توسعه و فضای نامناسب کسب و کار با کسب رتبه اول، تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه در ساختار پژوهش است. این عامل با دارا بودن بالاترین مقدار ویژه (۱۵/۲) و بیشترین سهم از واریانس تبیین‌شده (۲۵/۴ درصد)، نشان می‌دهد که هسته اصلی بحران یا چالش‌های موجود، ریشه در ساختارهای مدیریتی و فقدان برنامه‌ریزی دارد. اگرچه میانگین بار عاملی این عامل (۰/۷۲۴) از عامل چهارم کمتر است، اما گستردگی بالای آن (۲۴ متغیر) و وزن سنگین آن در تبیین تغییرات کل سیستم، حاکی از آن است که این عامل یک حوزه چندوجهی و زیربنایی است که سایر ابعاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بررسی عوامل رتبه دوم و سوم، با پدیده‌ای متفاوت مواجه هستیم. عامل دوم با عنوان سطح نازل ظرفیت‌های مردم محلی و تسلط خرده‌فرهنگ دهقانی با میانگین بار عاملی ۰/۷۵۳، از انسجام مفهومی و پیوند نزدیک‌تر گویه‌ها با عامل، نسبت به رتبه اول برخوردار است، اما به دلیل سهم کمتر در واریانس (۱۷/۴ درصد)، در رتبه دوم قرار می‌گیرد. این تفکیک، نشان می‌دهد که در حالی که متغیرهای مربوط به فرهنگ

دهقانی و ظرفیت‌های محلی، همبستگی داخلی بسیار قوی و مشخصی دارند، اما در مقایسه با مدیریت راهبردی، نقش کمتری در تبیین کل تغییرات سیستم دارند. عامل سوم یا میانی، با تمرکز بر ظرفیت‌های دهیاران، نشان‌دهنده اهمیت نقش واسطه‌ای آنها است. در واقع، دهیار به عنوان یک حلقه واسط، اگرچه نقش کلیدی دارد، اما قدرت تغییر و بهبود کل سیستم را در مقایسه با ساختارهای مدیریتی بالاتر، ندارد. بنابراین، این عامل به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده، شناخته می‌شود، نه یک عامل تعیین‌کننده بنیادین. عامل چهارم با عنوان عدم تأمین پایدار منابع مالی در زمینه حمایت، پشتیبانی و تحول اقتصادی با وجود داشتن بالاترین میانگین بار عاملی (۰/۷۸۲)، در رتبه چهارم قرار گرفته است. این تفاوت میان شدت پیوند متغیرها با عامل و رتبه اهمیت کلی، بسیار حائز اهمیت است. میانگین بار عاملی بالا نشان می‌دهد که گویه‌های مربوط به منابع مالی بسیار منسجم هستند و همگی به دقت یک مفهوم واحد را می‌سنجند، اما از آنجا که تعداد متغیرهای این عامل کم است (۷ متغیر) و واریانس تبیین‌شده آن (۱۰/۴درصد) پایین‌تر است، این عامل از نظر اثرگذاری بر کل ساختار سیستم، در رده عوامل تخصصی و محدود قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، مسائل مالی بسیار شفاف و هم‌سو هستند، اما دامنه اثرگذاری آن‌ها بر عملکرد اثربخش دهیاری‌ها در حوزه اقتصادی نسبت به مدیریت راهبردی و ظرفیت‌های فرهنگی–اجتماعی، محدودتر است.

جدول ۷. جدول تجمیعی بارها و رتبه‌بندی اهمیت

عامل	تعداد متغیر	دامنه بارعاملی	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	میانگین بارعاملی گویه‌ها	امتیاز ترکیبی(میانگین وزنی)[1]	رتبه و درجه اهمیت
ضعف مدیریت راهبردی توسعه و فضای نامناسب کسب و کار	24	۰/۵۲۷-۰/۹۱۹	۱۵/۲	۲۵/۴	۰/۷۲۴	۰/۲۷۹	1
سطح نازل ظرفیت‌های مرم محلی و تسلط خرده فرهنگ دهقانی	12	۰/۵۰۱-۰/۳۹۳	۱۰/۴	۱۷/۴	۰/۷۵۳	۰/۱۹۹	2
سطح نازل توسعه ظرفیتی دهیاران	17	۰/۵۵۲-۰/۹۰۴	۷/۵	۱۲/۵	۰/۷۲۸	۰/۱۳۸	3
عدم تامین پایدار منابع مالی در زمینه حمایت، پشتیبانی و تحول اقتصادی	7	۰/۶۹۰-۰/۸۹۴	۶/۲	۱۰/۴	۰/۷۸۲	۰/۱۲۳	4

منبع:(یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۵)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با طرح این سوال اصلی، مبتنی بر عوامل مؤثر بر عملکرد اقتصاد محور دهیاران در نواحی ر وستایی شهرستان مریوان کدامند؟ انجام پذیرفت.

[1] Si= میانگین وزنی(نمره ترکیبی اهمیت هر عامل برای عامل(i) ؛ Vi= درصد واریانس تبیین‌شده توسط عامل i؛ ∑Vمجموع درصدهای واریانس تبیین‌شده توسط هر چهار عامل؛ $\lambda^{-}i$ میانگین بارهای عاملی گویه‌های مربوط به عامل i.

$$S_i = \left(\frac{V_i}{\Sigma V}\right) * \lambda_{\text{mean}}$$

یافته‌های حاصله نشان دادند که ۶۴ متغیر یا مانع بازدارنده در قالب چهار عامل اصلی ضعف مدیریت راهبردی توسعه‌ای و فضای نامناسب کسب و کار، سطح نازل ظرفیت‌های مرم محلی و تسلط خرده فرهنگ دهقانی، سطح نازل توسعه ظرفیتی دهیاران و عدم تامین پایدار منابع مالی در زمینه حمایت، پشتیبانی و تحول اقتصادی به عنوان کلیدی‌ترین عوامل بر عملکرد نامناسب اقتصادی محور دهیاران در نواحی روستایی شهرستان مریوان اثرگذار هستند. عامل اول، نشان می‌دهد که فضای توسعه و تحول اقتصادی روستاهای شهرستان به واسطه ضعف مدیریتی توسعه محور، دچار نارسایی‌های بسیاری است. در سطح منطقه، مدیریت توسعه‌ای نه بر پایه مشارکت‌گرایی بلکه حول محور نخبه‌گرایی و دید بالابه پایین مدیران نسبت به جوامع محلی و دیدگاه رشدگرای اقتصادی مبتنی بر شهر مرکزی مریوان و خط مرزی، شکل گرفته که در فضای اقتصادی شهرستان، کمترین جایگاه را برای روستایی و روستاییان قائل است. این امر، موجب می‌گردد که دهیاران نیز، نتوانند در چنین فضای عملکردی اقتصاد محور داشته و یا اصلا، دهیارانی با عملکرد اقتصاد محور در این چنین محیط توسعه‌ای ظهور و بروز نداشته باشند. شکل‌گیری عامل دوم، نشان می‌دهد که در سطح منطقه مورد مطالعه، اجتماعات توسعه محور و در واقع، جامعه محلی که بخواهد و بتواند که در مسیر توسعه و تحول اقتصادی گام بردارد شکل نگرفته و این چنین، محیط اجتماعی نیز نمی‌تواند، شکل‌دهنده، پرورش‌دهنده و حمایت‌کننده از دهیارانی باشد که به دنبال توسعه و تحول اقتصادی در روستاها خواهند بود. شکل‌گیری عامل سوم در حوزه تخصصی عملکرد دهیاران و نیازها و ظرفیت‌هایی است که بایستی یک دهیار در زمینه مدیریت اجرایی و دانش اقتصادی و اجتماعی مورد نیاز در راستای تحول بخشی اقتصادی به روستاها دارا باشد که این شاخص‌ها در میان دهیاران روستاهای مورد مطالعه در سطح مناسبی ارزیابی نگردیده است. شکل‌گیری عامل چهارم، نازل بر کمبود منابع مالی مورد نیاز توسعه و تحول اقتصادی و راه‌اندازی کسب و کارهای نوپا در محیط‌ها روستایی منطقه می‌باشد. این عامل، مشخصه و نیاز اصلی روستاهایی مرزی و محرومی است که به واسطه چندین دهه، تسلط نظام مدیریت تمرکزگرای توسعه‌ای از منافع توسعه‌ای، کمترین بهره‌مندی را داشته و به حاشیه رفته‌اند. بنابراین، ضعف و ناتوانایی در عملکرد اقتصاد محور دهیاران روستایی منطقه مورد مطالعه به واسطه وجود ضعف و نارسایی‌های از محیط‌های کلان‌تر عملکردی و بازیگران فرادستی است که نتوانسته‌اند، زمینه‌ها و ظرفیت‌های لازم در راستای عملکرد اقتصادی محور دهیاران را فرآهم آورند.

در بررسی پیشینه‌ها، مشخص است که پژوهش حاضر از نظر تایید چالش‌های بنیادین مدیریتی، کاملاً با ادبیات موجود، هم‌سو است. همان‌گونه که در مطالعات ایمانی و خدابخشی (Eimani& Khodabakhshi, 2018) و رحمانی فضلی و همکاران (Rahmani Fazli et al., 2014) بر ضعف زیرساخت‌های اشتغال، مشکلات مالی و محدودیت‌های بازاریابی تأکید شده بود، یافته‌های این تحقیق نیز در عامل اول و چهارم، دقیقاً بر فقدان نظام سالم بازاریابی، ضعف زیرساخت‌های تخصصی و عدم تأمین پایدار منابع مالی، مهر تأیید می‌زند. همچنین، موضوع تمرکز بر عملکرد کالبدی به جای عملکرد اقتصادی که در پژوهش‌های تقی‌زاده و همکاران (Taghizadeh et al., 2023) و مولایی هشجین و همکاران (Molaei Hashjin et al., 2018) به عنوان یک خلاء مدیریتی مطرح شده بود، در نتایج این تحقیق نیز با تأکید بر ضعف در برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و

نظارت بر توسعه اقتصادی و سطح نازل ظرفیت دهیاران در حوزه اقتصادی، بازتولید شده است. علاوه بر این، بحث مشارکت محلی که در پژوهش‌های شفیعی ثابت و همکاران (Shafiei Sabet et al., 2019) و آکادون (Akadun, 2022) به عنوان رکن اصلی توسعه اقتصادی مطرح شده بود، در این تحقیق نیز با شاخص‌هایی نظیر ضعف رویکرد توسعه مشارکتی، ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی نازل اجتماعات محلی مورد مطالعه و عدم هم‌افزایی مدیریت توسعه‌ای به دقت مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق مبنی بر عدم وجود برنامه بلندمدت توسعه اقتصادی و ضعف در جذب بخش خصوصی و سرمایه‌ها و توانمندی‌های مردم محلی، مستقیماً با نتایج پژوهش احمدی میبدی و همکاران (Ahmadi Meybodi et al., 2022) در مورد نامتوازن بودن عملکرد اقتصادی و نیاز به برنامه‌ریزی مکانی و همچنین، پژوهش رحمانی فضلی و همکاران (Rahmani Fazli et al., 2014) در مورد ضعف عملکرد مشارکتی در توسعه اقتصاد روستایی توسط دهیاران، هم‌سو است. علاوه بر این، تأکید این پژوهش بر عدم یکپارچگی مدیریت توسعه‌ای، بازتابی از چالش‌های نهادی مطرح شده در پژوهش آکادون (Akadun, 2022) در مورد ضرورت مدیریت حرفه‌ای و شبکه‌سازی برای تبدیل منابع به مزیت پایدار است. ضعف منابع مالی که در پژوهش موسویان و همکاران (Musavian et al., 2025) مورد تاکید بود در این پژوهش نیز به عوان مانع مهم در عملکرد اقتصادی محور دهیاری‌ها مورد تایید قرارگرفته است. دجافری و همکاران (Djafri et al., 2022) نقش دهیار را فراتر از کارگزار اداری دانسته و بر رهبری نوآورانه، سواد توسعه، مهارت حل مسئله و ارتباطات سازنده تأکید می‌ورزند، یافته‌های عامل سوم مطالعه (ظرفیت دهیاران) دقیقاً مؤید این مدعا است. نتایج پژوهش اسکات (Scott, 2004) نیز، هم‌راستای با یافته‌های پژوهش در عامل اول و سوم در راستای ایجاد نظام حکمرانی به جای مدیریت متمرکز و مدیرانی با ظرفیت جهت تبدیل به رهبران کارآمد محلی است.

برخلاف اکثر مطالعات پیشین که بر ابعاد عمومی مدیریت روستایی تمرکز داشتند، این پژوهش با ورود به قلمرو ریسک‌های محیطی–سیاسی، ابعاد جدیدی را آشکار می‌کند. برای نمونه، در حالی که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر روابط داخلی دهیاری و روستا تمرکز داشتند، یافته‌های این تحقیق با ورود به شاخص‌هایی، همچون مدیریت امنیتی مرز و تأثیر نوسانات اقتصاد کلان بر محیط کسب‌وکار محلی، واقعیت‌های مرزی منطقه را به عنوان یک عامل بازدارنده کلیدی معرفی می‌کند. همچنین، تفاوت‌های بنیادین و نوآورانه پژوهش حاضر با پیشینه‌ها، در عمق تحلیل و در نظر گرفتن متغیرهای بومی منطقه مریوان تجلی یافته است.

در نهایت با توجه به یافته‌ها، راهکارهای زیر در راستای گسترش عملکرد اقتصادمحور دهیاران روستایی شهرستان مریوان در راستای تحول بخشی اقتصادی، پیشنهاد می‌گردد:

حوزه مدیریت راهبردی و فضای کسب‌وکار (عامل اول)

- آموزش مدیران توسعه‌ای شهرستان توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در راستای فاصله‌گیری از برنامه‌ریزی‌های مقطعی، کوتاه مدت، پروژه‌ای محور و نخبه‌گرایانه به سمت رویکردهای نوین مدیریت توسعه روستایی و فاصله گرفتن از تعریف و تحدید توسعه روستایی به عمران کالبدی و یا توسعه

کشاورزی در سطح شهرستان در راستای اصلاح وضعیت مدیریتی و برنامه‌ریزی توسعه‌ای روستایی شهرستان و حرکت به سمت تنوع بخشی اقتصادی.

- تدوین برنامه‌های توسعه محلی با رویکرد اقتصاد باز: عبور از برنامه‌ریزی‌های تک‌بعدی (فقط زیرساخت‌های فیزیکی) به سمت تدوین نقشه‌های راه اقتصادی که شامل شناسایی زنجیره ارزش محصولات بومی و ایجاد خوشه‌های کسب‌وکار روستایی باشد. (تدوین یک برنامه کارآمد توسعه‌ای با قابلیت اجرایی در سطح شهرستان متناسب با ارائه بسته‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر مزیت‌های نسبی و رقابتی روستاها در قالب زنجیره‌ای با مشخص شدن نقش هر روستا به منظور هدایت دهیاران و جهت‌دهی آنها به فعالیت‌های اقتصادی مردم محلی در این مسیر و جذب سرمایه‌گذاران).
- توسعه زیرساخت‌های رقابت‌پذیری (گردشگری و خدمات تخصصی): سرمایه‌گذاری بر زیرساخت‌های کیفی (مانند گردشگری سلامت یا ورزشی در حاشیه تالاب زریبار و سدگاران) برای ایجاد یک نمونه موفق که اعتماد سرمایه‌گذاران را بازگرداند.
- ارائه مشوق‌های هدفمند برای کارآفرینان جوان: ایجاد طرح‌های کسب و کارهای کوچک و خانوادگی روستایی که فراتر از حمایت مالی، شامل حمایت‌های تخصصی و فنی باشد تا از بی‌انگیزگی جوانان، جلوگیری شود.
- تاکید بر روستاهای مرکز دهستان به عنوان مرکز ثقل فعالیت اقتصادی دهیاران و جریان‌سازی در این رابطه: در این ارتباط، نیاز به تامین زیرساخت‌های تخصصی و مبنی بر نیازمحوری در نواحی روستایی مرکز دهستان مبتنی بر مزیت‌های رقابتی و نسبی در نواحی روستایی پیرامون آن، راه‌اندازی کارگاه‌های خرد تولیدی در نواحی روستایی مرکز دهستان مبتنی بر نیازسنجی در بازار اقلیم کردستان عراق با تاکید بر تولیدات با سرمایه و تخصص کم، همگام‌سازی و مکمل‌سازی کارگاه‌های خرد تولیدی مراکز دهستان با تولیدات شهرک صنعتی شهرستان مریوان(تامین کالاهای واسطه‌ای توسط کارگاه‌های تولیدی مراکز دهستان) است.
- به جای اجرای دستورالعمل‌های عمومی، باید چارچوبی ایجاد شود که به دهیاری اجازه دهد اقدامات اجرایی خود را بر اساس نوع منطقه (مثلاً منطقه با پتانسیل گردشگری در مقابل منطقه با پتانسیل کشاورزی) تنوع ببخشد. این امر، باعث می‌شود نهاد دهیاری از یک نهاد اجراکننده دستورات به یک نهاد طراح سیاست‌های محلی تبدیل شود. طراحی نظام امتیازدهی و تامین مالی برای دهیاری‌ها بر اساس شاخص‌های اقتصادی (مانند میزان جذب سرمایه محلی، میزان ایجاد اشتغال در روستا، یا میزان افزایش تولید محصولات کلیدی) نیز موجب ایجاد رقابت‌پذیری عملکردی بین مناطق مختلف روستایی شهرستان می‌شود.
- دهیاری باید نقش میانجی را ایفا کند تا از تخریب منابع (مانند چرای بی‌رویه یا برداشت غیرمجاز) جلوگیری کند. این کار از طریق ایجاد ساختارهای نظارتی محلی(مثلاً گروه‌های داوطلب حفاظت از منابع) که زیر نظر دهیاری فعالیت می‌کنند، انجام می‌شود.

حوزه مدیریت ظرفیت‌های مرم محلی و تسلط خرده فرهنگ دهقانی (عامل دوم)

- دهیاری نباید تنها تصمیم‌گیرنده باشد، بلکه باید پلتفرمی ایجاد کند که در آن گروه‌های مختلف (از جمله فقرا و گروه‌های قومی مختلف) در طراحی پروژه‌ها مشارکت داشته باشند. این کار باعث کاهش احساس طردشدگی و افزایش مالکیت مردم بر پروژه‌های اقتصادی می‌شود.
- برای رفع بی‌اعتمادی به دولت، دهیاری نباید با پروژه‌های کلان و دور از دسترس شروع کند. اجرای پروژه‌های بسیار کوچک و موفق که نتیجه‌اش سریعاً به دست مردم می‌رسد، می‌تواند اعتماد را بازسازی کند.
- برای مقابله با ریسک‌گریزی، دهیاری باید از مدل‌های تعاونی‌های نوپا یا خوشه‌های تولیدی کوچک حمایت کرده و مردم محلی را به این سمت سق دهد چرا که در آن‌ها ریسک مالی بین چندین نفر تقسیم می‌شود. این کار باعث می‌شود فرد به تنهایی با ترس از شکست، وارد اقتصاد نشود.
- دهیاری باید به عنوان رابط میان آموزش‌های فنی و بازار کار عمل کند و جهت دهنده آموزش‌های فنی باشد. به جای آموزش‌های عمومی، باید آموزش‌هایی داده شود که مستقیماً با نیازهای منطقه (مثلاً فرآوری محصولات یا خدمات گردشگری) همسو باشد.
- برای حل مشکل عدم تمایل به دریافت وام، دهیاری می‌تواند نقش میانجی را در ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی یا مشارکت‌های سهامی و تعاونی کوچک ایفا کند که با ساختار فرهنگی منطقه سازگارتر است و فشار بدهی بانکی را کاهش می‌دهد.
- دهیاری باید فرهنگ دولت‌محوری را تغییر دهد. دهیاری باید آموزش ببیند که چگونه از طریق مشارکت بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، منابع مالی را به سمت روستا هدایت کند، نه اینکه صرفاً منتظر بودجه‌های دولتی بماند.
- دهیاری می‌تواند با همکاری بخش خصوصی یا دانشگاهی، مسابقاتی برای بهترین ایده کسب‌وکار نوپا در روستا برگزار کند. این کار بار فرهنگی کارآفرینی را از یک امر دشوار به یک رقابت جذاب و اجتماعی تبدیل می‌کند.
- به جای فعالیت پراکنده، دهیاری باید روستاییان را در قالب انجمن‌های تخصصی (مثلاً انجمن تولیدکنندگان محصولات ارگانیک) سازماندهی کند. این نهادسازی باعث می‌شود، فرهنگ تعاون، جایگزین فرهنگ انفرادی دهقانی شود و قدرت چانه‌زنی آن‌ها در بازار افزایش یابد.

حوزه توسعه ظرفیتی دهیاران (عامل سوم)

- ارتقای معیارهای انتخاب دهیار به افرادی که دوره‌های مهارتی را گذرانده و یا در دروه‌های آموزشی اقتصادمحور شرکت کرده و نیز، سواد تخصصی لازم را داشته باشند.
- نیاز است که دهیاران از رویکرد کالبدمحور و تعریف به عنوان تنها وظیفه آنها فاصله بگیرند، حرکت در این مسیر نیاز به آموزش و توانمندسازی دهیاران دارد که در این ارتباط، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

استان با مشارکت دفتر توسعه روستایی استانداری و کارگروه توسعه روستایی دانشگاه کردستان، می‌توانند گام‌های مؤثری را بردارند.

- ارتقای امنیت شغلی دهیاران، نیاز ویژه این مدیران محلی است. پیگیری بحث بیمه، حقوق و شرایط کاری آنها از مهمترین و از گسترده‌ترین گلایه‌هایی دهیاران روستایی است که برطرف شدن آنها می‌تواند انگیزه کار و تلاش را در میان دهیاران، مضاعف نماید.
- تشکل تعاونی، میان دهیاری‌ها با تاکید بر روستاهای مرکز دهستان و روستاهای پرجمعیت و روستاهایی که دارای توان‌های شناخته شده در منطقه بوده و یا در موقعیت ممتاز مرزی، گرشگری و ارتباطی هستند به منظور ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای تعاونی مبتنی بر مزیت‌های رقابتی و حتی، بهره‌گیری مؤثر از مزیت‌های نسبی، می‌تواند منجر به جریان‌سازی مهمی در زمینه توسعه اقتصادی شهرستان گردد.
- بازنگری در ساختار قانونی برای کاهش بوروکراسی و افزایش اختیارات دهیاران در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جذب سرمایه و مشارکت و مدیریت پروژه‌های توسعه‌ای.

حوزه تامین منابع و اعتبارات مالی (عامل چهارم)

- یکی دیگر از نکات مهم در ارتباط با تامین مالی دهیاری‌ها، توزیع عادلانه بودجه میان دهیاری‌های شهرستان، نه برپایه جمعیت و نزدیکی به مرکز در وضعیت کنونی بلکه بر مبنای عملکرد و توان و فرصت‌های اقتصادی روستاها است. نیاز است که در ارتباط با تامین مالی دهیاری‌ها از سوی دولت، دید برابرانه در ابتدا به منظور ایجاد یک توان فعالیتی مناسب برای دهیاری‌های شهرستان درنظرگرفته شود و سپس بر مبنای عملکرد اقتصاد محور دهیاران، بودجه‌های تکمیلی و تشویقی، اختصاص یابد.
- به‌جای معرفی پراکنده متقاضیان، دهیاری‌ها طرح‌هایی را که از نظر بازار، هزینه، مهارت و امکان اجرا بررسی اولیه شده‌اند، برای دریافت مجوز یا حمایت به نهادهای مسئول معرفی کند.
- طراحی مدل‌های تسهیل‌گری ریسک برای سرمایه‌گذاران: با توجه به عدم اعتماد سرمایه‌گذاران شهری به بازگشت سرمایه، دولت باید طرح‌های تضمین سرمایه یا صندوق‌های بیمه کسب‌وکار روستایی را برای کاهش شکست کسب‌وکارها ایجاد کنند.
- اعتبارات محدود دهیاری، در چارچوب مقررات، به اقداماتی اختصاص یابد که گلوگاه فعالیت اقتصادی را کاهش می‌دهد، مانند زیرساخت عمومی ضروری، خدمات مشترک، دسترسی به بازار یا بهبود محیط کسب‌وکار.
- کاهش دید امنیتی در مدیریت مرزهای منطقه به دید فرصت محورانه و اختصاص بخشی از درآمدهای مرزی و به ویژه بازارچه‌های مرزی و گمرک فعال منطقه به دهیاری‌های روستاها و تشکل یک صندوق سرمایه‌گذاری از این درآمدها در زمینه حمایت از ایده‌های نوپای جوانان روستایی در زمینه تولید و تحول اقتصادی.

منابع

1. Afsharipour, A., Barghi, H., & Ghanbari, Y. (2021). Appropriate policy-making for rural regions management in Iran. *Land Use Policy*, *109(10)*, 1-15. 10.1016/j.landusepol.2021.105669
2. Ahmadi Meybodi, S.J., Ahmadian, M.A., & Jafari, H. (2022). Spatial analysis of the performance of village administrations in rural economy development in central district of Mashhad. *Journal of Geography and Regional Development*, *20*(1), 186-155. https://doi.org/10.22067/jgrd.2022.74314.1099 [In Persian]
3. Ahmed Khan, Z.(2016). Leadership theories and styles: A literature review, *Journal of Resources Development and Management*, *126*(1), 12-22. https://www.researchgate.net/publication/293885908_Leadership_Theories_and_Styles_A_Literature_Review
4. Akadun, A. (2022). Institutional capacity and local economic development in rural areas. *JIAPI Jurnal llmu Administration Dan Permerintahan Indonesia, 3(2)*, 181-195. 10.33830/jiapi.v3i2.110
5. Baldock, D. (2010). The Nature Of Rural Development: Towards A Sustainable Integrated Rural Policy In Europe, Countryside Agency, Countryside Council for Wales,, English Nature and Scottish Natural Heritage. https://ieep.eu/wp-content/uploads/2023/01/natureruraldevelopment.pdf
6. Barbier, E. B. (2020). Is green rural transformation possible in developing countries? *World Development*, *131*(47), 1-16. 10.1016/j.worlddev.2020.104955
7. Beer, A.(2014).Leadership and the governance of rural communities, *Journal of Rural Studies*, 34(2), 254-262. 10.1016/j.jrurstud.2014.01.007
8. Daneshvar Ameri, Z., Shabanali Fami, H. & Shokati Amqani, M. (2016). Analysis of villagers' satisfaction with the performance of *Dehyars* in the modern rural management of Osko County. *Human Geography Research*, *48*(3), 493–506. 10.22059/jhgr.2016.52376 [In Persian]
9. Djafri, N., Botutihe, S.N., Pauweni, A.A.J., & Smith, M.B. (2022). Leadership management of village heads based on soft skill development of coastal communities in Indonesia. *Problems and Perspectives in Management*, *20*(3), 233–246. https://doi.org/10.21511/ppm.20(3).2022.19
10. Eimani, B., & Khodabakhshi, R. (2018). Evaluation of *Dehyars'* performance from the perspective of villagers (Case study: Villages of the Central District of Izeh County). *Geographical Studies of Arid Regions*, *9*(33), 53–68. https://jargs.hsu.ac.ir/article_161476.html [In Persian]

11. García-Vidal, G., Martínez-Vivar, R., & Guzmán-Vilar, L. (2025). Entrepreneurial leadership and collaborative resilience: How positive relational dynamics shape entrepreneurial cognition in emerging economies. *Administrative Sciences*, *15*(11), 444. https://doi.org/10.3390/admsci15110444
12. Guo, X., Yu, B., Yan, M., Guo, H., Ren, J., Zhang, H., & Zhang, Z. (2022). Endogenous development models and paths selection of rural revitalization from the perspective of ecological environment advantages: A case study of Nanshi Village, China. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *19*(19), 12-25. 10.3390/ijerph191911979
13. Heidari Sarban, V. (2019). Evaluation of the rural local management model based on good governance indicators (Case study: Meshgin Shahr County). *Geography and Development*, 57, 133–154. 10.22111/gdij.2019.4985 [In Persian]
14. Horlings ,Lummina , Roep ,D .(2018). The role of leadership in place-based development and building institutional arrangements, *Local Economy*, *33*(1), 12-21. https://doi.org/10.1177/0269094218763050
15. Kabiri, A., & Valaei, M. (2019). Investigation and analysis of modern rural management challenges: A case study of Miandoab county villages. *Village and Development*, *22*(3), 69-94. https://doi.org/10.30490/rvt.2020.262968.1009
16. Khaliq, A.K., & Talha, M. (2024). Leadership role in enhancing efficiency and effectiveness in organizational operations. *Islamic Operations Management* (pp. 17–26). Routledge. 10.4324/9781003289050-3
17. Khoshbakht, H., Iravani, H., Shabanali Fami, H., & Mohammadi, Y. (2015). Effective performance of Dehyaries in rural development from the perspective of Dehyars; Foregoing challenges: A case study of Fars province. *Village and Development*, *18*(1), 93-111. https://doi.org/10.30490/rvt.2018.59422
18. Khosravipour, B., & Bandari, A. M. (2023). A review of the role of *Dehyari* governance in rural development. *Geography and Human Relations*, 6(2), 509–528. [In Persian]
19. Kumar, V. S. J., & Ankalkoti, P. (2025). Rural management system. *International Journal of Advanced Research in Computer and Communication Engineering*, *14*(8), 122. https://doi.org/10.17148/IJARCCE.2025.14811
20. Küpper, P., Kundolf, S., Mettenberger,T., & Tuitjer ,G.(2017). Rural regeneration strategies for declining regions: Trade-off between novelty and practicability, *European Planning Studies*, *28*(2), 229-255. 10.1080/09654313.2017.1361583

21. Liu, Y.S., & Wang, Y.S. (2019). Rural land engineering and poverty alleviation, Lessons from typical regions in China. *J. Geogr. Sci. 29*(5), 643–657. 10.1007/s11442-019-1619-9
22. Marošević, K., Udovičić, A., & Nukić, I.Š. (2014). Institutions as a factor of (regional) growth and development, Economy of eastern Croatia yesterday, today, tommorow, Josip Juraj Strossmayer University of Osijek, Faculty of Economics, *Croatia, 3*(1), 647-659. https://www.efos.unios.hr/repec/osi/eecytt/PDF/EconomyofeasternCroatia yesterdaytodaytomorrow03/eecytt0364.pdf
23. Mikeladze, A. (2025). Economic governance and financial planning strategies for NGO sustainability. *European Journal of Research in Applied Sciences, 15*(1), 75–92. 10.62693/r0edd360
24. Miralijani, S., & Khorasani, M.A. (2021). Content analysis of scientific research articles on rural management in Iran. *Quarterly Journal of Urban and Rural Management*, 59, 64–79. 10.22108/gep.2021.123871.1321 [In Persian]
25. Mohammadpour, S., Yaghoubi, N.M., Kamalian, A.R., & Salarzehi, H. (۲۰۱۷). Authentic leadership: A new approach to leadership (Describing the mediatory role of psychological capital in the relationship between authentic leadership and intentional organizational forgetting). *International Journal of Organizational Leadership*, *6*(1), 491-504. https://doi.org/10.33844/ijol.2017.60278
26. Molaei Hashjin, N., Amar, T., & Bagheri, A. (2018). The role of local management in the economic development of rural areas in Behshahr County. *Journal of Spatial Economics and Rural Development*, *6*(4), 165–176. https://serd.khu.ac.ir/article_10224.html [In Persian]
27. Moodie, J., Salle, E., Zomer, B., Vilcu, R., Laurent, I. (2023). Empowering rural areas in multi-level governance processes. Sherpa Discussion Paper. 10.5281/zenodo.7504192
28. Movahed, A., Abdoli, M., Khazaei, F., & Abutorabi Zarchi, M.R. (2023). Explaining the relationship between rural management and the quality of livability in peri-urban tourism villages (Case study: Allah-Abad village, Yazd province). *Village and Development*, *26*(2), 79-102. https://doi.org/10.30490/rvt.2023.355743.1391
29. Muhardi, M.(2022). The role of strategic leadership in rural development, MIMBAR *Jurnal Sosial dan Pembangunan*, *38*(1), 195-215. 10.29313/mimbar.v0i0.9515
30. Musavian, S.S., Pourramezan, I., Ghoreyshi, M.B., & Amar, T. (2025). Analysis of economic challenges of local managers in the rural community development process in the nomadic territory of Shaft County. *Nomadic*

Territory Planning Studies, *4*(2), 27-40. 10.22034/jsnap.2024.469444.1101 [In Persian]

31. Norouzi Sheikhalar, Z., Badri, S.A., & Darban Astaneh, A. (2023). Analysis of the role of governance in sustainable economic development from the perspective of local managers (*Dehyars* and councils) in Kahak District, Qom Province. *Geography and Human Relations*, *6*(1), 198–218. 20.1001.1.26453851.1402.6.1.9.1 [In Persian]
32. Obiefuna, O. (2015). The role of top management in business organizations, *Review of Public Administration and Management*, *5*(3), 93-110. https://www.arabianjbmr.com/pdfs/RPAM_VOL_3_5/10.pdf
33. Rahmani Fazli, A., Monshizadeh, R., & Alipourian, J. (2014). The performance of participatory–interactive management of Dehyars in rural economic development with emphasis on production and investment elements (Case study: Central District of Kuhdasht County). *Greater Khorasan*, *5*(16), 25–39. 20.1001.1.22516131.1393.4.16.3.7 [In Persian]
34. Ramos, J. (2017). The Rise of Commons Based Economic Governance. *Journal of Futures Studies*, *22*(1), 73–88. 10.6531/JFS.2017.22(1).A73
35. Salimova, F. (2025). The role of entrepreneurial leadership in economic development and its impact on companies: Contemporary practices and trends. *Scientific Work, 19*(5), 230–233. https://doi.org/10.36719/2663-4619/115/230-233
36. Scott, M. (2004). Building institutional capacity in rural Northern Ireland: The role of partnership governance in the LEADER II program. *Journal of Rural Studies*, *20*(1), 49–59. 10.1016/S0743-0167(03)00042-1
37. Shafiei Sabet, N., Hosseini Hasel, S., & Rahbari, M. (2019). Assessment of rural management, empowerment of local stakeholders, and physical transformations of rural settlements (Case study: Semnan Province). *Housing and Rural Environment*, 165, 112–129. 10.22034/38.165.113 [In Persian]
38. Taghizadeh, A., Dinparast, S., & Zare, S. (2023). Identification and evaluation of managers' performance in the development of rural areas (Case study: Villages of Dowlatabad Rural District, Marand County). *Geography and Planning*, *26*(82), 67–82. 10.22034/gp.2022.48694.2911 [In Persian]
39. Takhumova, O. (2020). Rural development as a leading factor in economic growth [Paper presentation]. 6th International Conference on Social, Economic, and Academic Leadership (ICSEAL-6-2019). 10.2991/assehr.k.200526.040
40. Tomashuk, I. (2017). Problems and prospects of management of rural development. *Baltic Journal of Economic Studies*, *3*(5),207-221. 10.30525/2256-0742/2017-3-5-214-220

41. Tovmasyan ,G. (2017). The Role of Managers in Organizations: Psychological Aspects. *Business Ethics and Leadership, 3*(1), 20-32. 10.21272/bel.1(3).20-26.2017
42. Vasilescu ,M.(2019). Leadership styles and theories in an effective management activity, Annals of the Constantin Brâncuşi University of Târgu Jiu, *Economy Series*, *4*(1),2-12. https://www.utgjiu.ro/revista/ec/pdf/2019-04/06_Vasilescu.pdf
43. Wazza, M. T., Ayele, S., & Shano, B. K. (2025). Place-based approach to rural development: Ethiopia in Context. *Economies*, *13*(3), 61. https://doi.org/10.3390/economies13030061
44. Zadawa, A., & Omran, A.(2020). Rural development in Africa: Challenges and opportunitie, sustaining our environment for better future (pp. 33–42). 10.1007/978-981-13-7158-5_3
45. Zhang, H., Chen, W., Liu, W., Liu, Z., & Liu, H. (2023). The evolution of settlement system and the paths of rural revitalization in alpine pastoral areas of the Qinghai-Tibet Plateau: A case study of Nagqu County. *Ecological Indicators*, *154*, 110756. 10.1016/j.ecolind.2023.110274